

عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم میلادی*

احمد لعبت‌فرد^۱ / جهان‌بخش ثواقب^۲

چکیده

در قرن نوزدهم میلادی با ایجاد تحول و دگرگونی در تجارت خارجی، فرش به یکی از کالاهای عمده در صادرات ایران تبدیل شد. ایجاد سرمایه‌گذاری و اتکا به نیروی انسانی مستعد، در دسترس بودن مواد خام اولیه، بافت جمعیتی و جغرافیای اقتصادی ایران شرایط لازم برای تولید و صادرات فرش را در این دوره مهیا کرد. از سویی گسترش مراودات تجاری، توسعه بازارهای بین‌المللی و عرضه تقاضا برای این کالا سبب شد، صنعت فرش مورد توجه اساسی قرار گیرد. مسأله اصلی در این پژوهش بررسی تجارت فرش ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (برابر با سیزدهم هجری) است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و تبیین داده‌های آماری نشان داده است که رشد تولید و تجارت فرش تأثیر آشکاری بر اقتصاد داخلی، تجارت خارجی و صادرات ایران داشته و در بهبود وضعیت اشتغال و جذب درآمد ارزی نیز نقش اساسی ایفا کرده است.

واژگان کلیدی: ایران، صنعت فرش، مراکز تولید، تجارت جهانی، قرن نوزدهم

Factors Affecting the Growth of Carpet Exportation and Its Economic Outcomes for Iran during the 19th Century

Ahmad Lobatfard³/ Jahanbakhsh Savagheb⁴

Abstract

Following a shift in international trade during the 19th century, carpet became a significant item among Iran's exports. Interest in new investments, existence of proficient manpower, availability of raw material, the economic geography and the population fabric of Iran paved the way for the production and exportation of Persian carpets and rugs during the period. Moreover, the expansion of trade relations, the development of international markets, and the increased demand for carpets shifted the focus of attention towards the Iranian carpet industry. The present study deals with Iran's carpet trade in the second half of the 19th century. In a descriptive-analytical manner, and by means of statistical data, the present study shows that the growth of carpet production and trade in Iran has had significant effects on its domestic economy, foreign trade, and exportation, in a way that employment rate has improved, and the national income has increased in this country.

Keywords: Iran, carpet industry, production centers, world trade, 19th century.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر * تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۵/۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۸/۱۲

۲. استاد تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)

3. PhD Student of History, University of the Persian Gulf, Bushehr. E-mail: alobatfard@gmail.com

4. Professor of History, Lorestan University, (Corresponding Author). E-mail: jahan_savagheb@yahoo.com

مقدمه

اقدامات و طرح‌های عمرانی و اقتصادی شاه عباس اول در قرن ۱۱ ق.م/۱۷م. و برقراری پیوند تجاری با دولت‌های اروپایی از طریق راه‌های خشکی و دریایی به‌ویژه خلیج فارس دوره‌ای از شکوفایی اقتصادی را رقم زد. در دوره صفویه ابریشم تبدیل به یکی از کالاهای کلیدی و اساسی در صادرات ایران شد. اما پس از دوره صفویه با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران، دوره‌ای از عدم ثبات (به‌ویژه درگیری‌های محلی در آستانه قرن نوزدهم) سبب نوسانات در ساختار اقتصادی ایران شد. رقابت دولت‌های اروپایی جهت انزوای عثمانی و گسترش تجارت با شرق سبب کشف راه‌های آبی و منجر به کشف آمریکا، تسلط بر هند و راه‌یابی دولت‌های اروپایی یکی پس از دیگری به خلیج فارس شد. رشد شهرنشینی و ایجاد طبقه بورژوازی به شکل‌گیری تجارت دولت‌های اروپایی و گسترش تجارت ادویه، ابریشم، شمش طلا در معاملات جهانی منجر شد. از سویی با ظهور انقلاب صنعتی در انگلیس، کارخانجات صنعتی به مواد خام اولیه و بازاری برای فروش محصولات صنعتی خود نیاز داشتند، که با کشف راه‌های دریایی و گسترش ارتباطات تجاری به‌ویژه در خلیج فارس، تولیدات و منسوجات صنعتی به سوی ایران سرازیر شد.

با توجه به وضعیت حاکم بر جامعه ایرانی در طی قرون ۱۸ و ۱۹م. و ایجاد رابطه تجاری با دولت‌های اروپایی در طی این دو قرن امتیازاتی به این دولت‌ها داده شد. در این دوره بخش زیادی از رابطه اقتصادی ایران تحت تأثیر منسوجات صنعتی و افزایش حجم واردات از این کشورها قرار داشت و تراز بازرگانی ایران را منفی ساخته بود. ابریشم کالای اساسی و اقتصادی ایران به واسطهٔ امراض دچار کاهش و نوسان شد. دولت ایران برای جبران و جایگزینی در صادرات به سوی کالاهای دیگری روی آورد. از سویی با شرایط جغرافیایی حاکم بر ایران، کشت محصولات کشاورزی مانند: پنبه، برنج، غلات و تریاک به عنوان جایگزین مطرح شد. اما از آنجایی که با ظهور کارخانجات صنعتی پارچه‌های پنبه‌ای و برخی کالاهای مصرفی (چای، قند و شکر) به ایران وارد شد، این بار راهبرد دولت به سوی صادرات کالای راهبردی تولیدی مانند پشم خام و فرش کشیده شد. زیرا بخش زیادی از ساختار جمعیتی و اجتماعی جامعه ایران را عشایر تشکیل می‌داد و یکی از محصولات اصلی آنها پشم، ماده اصلی بافت فرش بود. اما تا نیمه دوم قرن نوزدهم فرش این کالای راهبردی تحت تأثیر صادرات و اهمیت ابریشم قرار داشت. در اوایل قرن ۱۹م. و به‌ویژه از نیمه دوم این قرن تا شروع جنگ جهانی اول، صنعت فرش و فرش‌بافی رشد قابل توجهی داشت و در اقتصاد ایران نقش اصلی را ایفا کرد، به‌طوری که حجم زیادی از صادرات را در سال‌های منتهی

به جنگ جهانی اول به خود اختصاص داد.

هدف این پژوهش بیان جایگاه و اهمیت صنعت فرش در تجارت خارجی ایران است. از این رو در صدد ارائه پاسخی مناسب به این پرسش‌ها است: ۱. چه عاملی سبب رشد تولید و صادرات فرش ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم شد؟ ۲. پیامدهای رشد تولید و صادرات فرش در اقتصاد ایران چه بود؟ فرضیه نخست؛ مجموعه‌ای از متغیرهایی نظیر تغییر الگوی تجارت متأثر از نظام سرمایه‌داری جهانی، نیروی انسانی ماهر و وجود مواد خام (پشم، پنبه و ابریشم) را در داخل و متغیرهای بیرونی از جمله توسعه بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و تقاضای جهانی برای فرش ایران را سبب رونق تولید و صادرات فرش دانسته است. فرضیه دوم نیز بر آن است که رشد صنعت فرش موجب بهبود وضعیت تجارت، ایجاد فرصت‌های اشتغال و رشد صادرات خارجی شده است. بررسی حیات اقتصادی کشور در دوره‌های تاریخی به هدف شناخت فرصت‌ها و آسیب‌ها در ترقی و تنزل محصولات و فرآورده‌های اساسی کشور که در اقتصاد داخلی نقشی راهبردی داشته و از شهرت جهانی نیز برخوردار بوده‌اند، ضرورتی است که پژوهش در آن می‌تواند چشم‌اندازی بر چگونگی برون‌رفت از سیطره اقتصاد نفتی و احیاء اقتصاد جایگزین به‌ویژه صنعت فرش در شرایط کنونی، بیندازد. در بررسی پیشینه موضوع، بیشتر نوشته‌ها درباره فرش ایران در قالب کتاب‌ها و مقالات، به معرفی قالی‌های ایران، قالی‌های تصویری موزه‌های فرش، فرش‌های دوره صفویه و قاجار، جنبه‌های هنری و ساخت و بافت فرش اختصاص دارد و کم‌تر از جنبه تجاری و صادراتی و بررسی زمینه‌های رشد صنعت فرش در برهه‌ای خاص از تاریخ، به آن توجه شده است. در این میان می‌توان از سیف (۱۳۷۳) نام برد که در بخشی از کتاب خود با موضوع اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، به قالی‌بافی ایران در این قرن نیز پرداخته است. اتحادیه و پروان (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای که بیشتر مبتنی بر مطالب سیف است، تحولات تجارت فرش دستباف ایران دوره قاجار را با تکیه بر بازار بین‌المللی، مطرح کرده‌اند. از این رو، این پژوهش می‌تواند متفاوت از دیگر نوشته‌ها، پرتویی بر خلاء موجود در این زمینه بیفکند.

پیشینه صنعت فرش در ایران

فرش در ایران دارای سابقه و قدمت طولانی است، که فرش پازیریک^۵ سندی برای این ادعا

۵. قدیمی‌ترین فرش دنیا که در گور یکی از فرمانروایان سکایی توسط سرگئی رودنکو باستان‌شناس روس کشف شد و با بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده این فرش متعلق به دوره هخامنشی یا اشکانی است.

می‌باشد.^۶ از دوره باستان، ایران در فن قالی‌بافی معروف بوده و قالی ایران بیش از سایر محصولات این کشور در جهان شهرت داشته است. در همان ایام، قالی‌های ایران به یونان و بیزانس و سپس در قرون وسطی به سایر کشورهای غرب صادر می‌شده است. شهرت و معروفیت قالی‌های ایران به دلیل ابهت و زیبایی این قالی‌ها بود که در برابر جهانگردان، سفیران، هیئت‌های اعزامی و سایر رجال خارجی که با دربار ایران ارتباط می‌یافتند، جلوه‌گری می‌کرد.^۷ در دوره اسلامی نیز، ایران در قالی‌بافی مشهورترین و مهم‌ترین کشورهای دنیا بوده است. در قرن چهارم هجری/دهم میلادی، در جشن‌های رسمی دربار بیزانس، مجلس را با فرش‌ها و قالی‌های ایرانی می‌آراستند.^۸ مورخین و جغرافی‌نگاران مسلمان نیز نوشته‌اند که شهرهای زیادی در ایران مراکز قالی‌بافی بوده است.^۹ اما قدیم‌ترین قالی‌های معروف ایران مربوط به قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی، یا دوره سلاجقه است. قالی‌بافی در ایران میان قبایل صحراگرد و خانواده‌های متوسط ایرانی و کارگاه‌های تولیدی و تجاری، معمول و متداول بود.^{۱۰} قالی‌بافی ایران در دوره ایلخانی و تیموری به حیات خود ادامه داد و در دوره تیموری بیشتر، فرش‌های تزیینی بافته می‌شد.^{۱۱} در واقع توجه دربار به قالی‌بافی از قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی، شروع می‌شود که کارگاه‌های مهم سلطنتی برای بافتن قالی‌های نفیس و زیبا تأسیس شدند و در آن‌جا بهترین و گران‌بهاترین قالی‌ها را برای کاخ‌های شاه و امراء می‌بافتند و قسمتی از این قالی‌ها نیز به امر پادشاه به پادشاهان و امراء دیگر کشورها اهداء می‌شده است.^{۱۲} در دوره صفویه با گسترش روابط خارجی، تجاری و شکوفایی اقتصادی در برخی زمینه‌ها، صنعت فرش نیز رونق پیدا کرد.^{۱۳} و قالی‌های ایران در دو قرن ۱۲ و ۱۳ ق. / ۱۸ و ۱۹ م. به دوره کمال رسید و عصر طلایی خود را تشکیل داد.^{۱۴} مهم‌ترین و گران‌بهاترین قالی‌های ایران، که آرتور پوپ در موزه‌های کلیساها و مجموعه‌های آثار فنی خصوصی و در بازارهای آثار باستانی، تعداد بالغ بر بیش

۶. حبیب چینی، *قالی‌بافی در ایران* (تهران: وزارت اقتصاد، ۱۳۴۵)، ص ۱.

۷. زکی محمد حسن، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمدعلی خلیلی (تهران: اقبال، ۱۳۶۶)، ص ۱۵۰.

۸. حسن، ص ۱۵۳.

۹. برای نمونه، نک: ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، *احسن‌التقسیم فی معرفه‌الاقالیم*، بخش ۲، ترجمه علینقی منزوی (تهران: مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱). ذیل بازرگانی شهرها، ص ۴۷۵، ۴۷۶، ۵۶۴، ۶۲۲، ۶۵۸ و بعد

۱۰. حسن، ص ۱۵۰.

۱۱. ارنست کونل، *هنر اسلامی*، ج ۳، ترجمه هوشنگ طاهری (تهران: توس، ۱۳۶۸)، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۱۲. حسن، ص ۱۵۰.

۱۳. شاردن، *سفرنامه شوالیه شاردن*، ج ۲، ترجمه اقبال یغمایی (تهران: توس، ۱۳۷۴)، ص ۸۹۵.

۱۴. حسن، ص ۱۵۶.

از سه هزار قطعه از آنها را شماره و آمار کرده، همان‌هایی است که در این دو قرن بافته شده است.^{۱۵} اهدای فرش‌های ابریشمی از طرف دربار صفوی به کشورهای اروپایی سبب آشنایی اروپاییان با این شاهکار هنری ایران شد. برای نمونه؛ قالی‌های ابریشمین زربفت خریداری شده سفیر لهستان در دربار شاه عباس اول به دستور سیگیسموند سوم شاه لهستان،^{۱۶} قالی الوان با تاروپود زرین و سیمین در میان هدایای شاه عباس اول برای تزار روسیه به سال ۹۹۷ق/۱۵۸۹م،^{۱۷} شش قطعه قالی در میان هدایای همین پادشاه برای شورای ایالات هلند توسط موسی بیگ اعزامی به سال ۱۰۳۴ق/ ۱۶۲۵م و موارد دیگر.^{۱۸} شاهکار صنعت فرش در این دوره، فرش شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که برای مقبره او بافته شده است. این فرش در سال ۹۴۶ق. / ۱۵۳۹م. در کاشان توسط مقصود کاشانی بافته شد.^{۱۹} آشنایی با ظرفیت‌های اقتصادی و گسترش روابط تجاری، جذابیت ایران را برای اروپاییان بیشتر کرد و فرش یکی از این ظرفیت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری بوده است. در این دوره تعدادی کارگاه بافندگی در برخی مراکز و شهرها به وجود آمدند، که از یک‌سو، سبب تغییر در کمیت و کیفیت فرش شدند و از سوی دیگر، باعث رشد تولید فرش برای نیازهای دربار و هدیه به کشورهای خارجی شدند. از مراکز عمده صنعت فرش در این دوره قزوین، تبریز، اصفهان نام برده شده است.^{۲۰} احتمالاً مشهد، یزد، بیرجند، کاشان، همدان، شوشتر و هرات نیز از دیگر مراکز عمده تولید فرش در این دوره بودند.^{۲۱} در مجموع در دوره اسلامی، ایران در قالی‌بافی بزرگ‌ترین مراکز شرق بوده و سایر مراکز (نظیر هندوستان، عثمانی، قفقاز، مصر و اسپانیا) در این فن از او تقلید و اقتباس کرده و طرز قالی‌بافی ایران در آنها تأثیر بسزایی داشته است. توجه و تشویق پادشاهان و امراء و رجال دولت و صرف اموال زیاد برای بافتن بهترین قالی‌ها با بهترین مواد و مصالح با دست

۱۵. حسن، ص ۱۶۲.

۱۶. صفر مرادویچ، سفرنامه صفر مرادویچ، ترجمه حمید حاجیان پور و منصور چهارزی (تهران: آژنگ، ۱۳۹۴)، ص ۵۶.

۱۷. عبدالحسین نوایی، روابط سیاسی ایران و اروپا در عصرصفویه (تهران: ویسمن، ۱۳۷۲)، ص ۱۹۱.

۱۸. همان، ۱۲۶. شرح بیشتر در باره انواع قالی‌های این دوره و هدیه دادن قالی از سوی پادشاهان به دیگر کشورها، در: موریس اسون دیمانند، راهنمای صنایع اسلامی، ج ۳، ترجمه عبدالله فریار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۲۷۲-۲۶۱؛ کونل، ص ۲۱۰؛ حسن، ص ۱۶۹-۱۵۰.

۱۹. حسن، ص ۱۵۵-۱۵۴؛ دیمانند، ص ۲۶۳.

۲۰. برای آگاهی از وضعیت کارگاه‌های قالی‌بافی و منسوجات ایران در عصر صفویه، مراکز تولید و تجارت آن، بازرگانان و دامنه

فعالیت آنان در کشورهای مختلف، راه‌های صادرات قالی و ...، نک: شاردن، ص ۸۹۶-۹۰۰ و ۸۹۹ و ۹۰۴.

21. L. M. Helfgott, *Ties That Bind: A Social History of the Iranian Carpet*, (Smithsonian Inst Pr., 2007),

p. 70; ۲۶۱، ص دیمانند.

ماهرترین قالی‌باف‌ها، در پیشرفت صنعت قالی‌بافی ایران مؤثر بوده است.^{۲۲}

جایگاه صنعت فرش در قرن نوزدهم

پس از دوره صفویه تا قرن نوزدهم میلادی، تولید فرش در حجم محدودتری صورت گرفته است و اصولاً از دوره‌های کهن تا اوایل این قرن، فرش بیشتر به منظور مصارف داخلی و در حجم محدود و برای قشر خاصی از جامعه تولید می‌شد. به تعبیری تا این زمان، «فرش بافی عمدتاً یک صنعت ایلی یا روستایی و به منظور مصرف داخلی (نوعی پس‌انداز خانوادگی برای روز مبادا) بود، و یا، صنعتی شهری بود که بافندگان مرد در آن به تولید قالی برای مصرف نخبگان ایرانی مشغول بودند.»^{۲۳} در گزارش اولیویه که مربوط به سال‌های آغازین قاجاریه است، در میان اقلام تجاری ایران با روسیه، اروپای غربی، عثمانی و هندوستان، با اینکه از ابریشم، پنبه، تنباکو، تریاک و دیگر محصولات یادشده، اما نامی از فرش برده نشده^{۲۴} و در فهرستی نیز که از محصولات ایران ارائه داده، به فرش یا قالی اشاره‌ای نکرده، در حالی که شرحی درباره ابریشم، پشم و پنبه به‌دست داده است.^{۲۵} اما با ورود به قرن نوزدهم شاهد تغییرات چشمگیری در تولید فرش هستیم. این تغییرات باعث افزایش حجم صادرات فرش و درآمدزایی از آن و تبدیل شدن فرش به رشته فعال در اقتصاد و دارای بازار جهانی عمده شد. چنانکه اشاره شد، ایران از دوره صفویه از لحاظ اقتصادی در شبکه جهانی تجارت ادغام شده بود. در قرن هجدهم با حضور روسیه و انگلیس و دخالت آنها در اقتصاد ایران این ادغام به شکل محسوس‌تری خود را نشان داده است.

از دوره صفویه به بعد، ابریشم^{۲۶} همواره یکی از صادرات عمده در اقتصاد ایران بوده است، که بخش زیادی از تجارت خارجی را به خود اختصاص می‌داد. تا نیمه دوم قرن ۱۹م، ایران ابریشم

۲۲. حسن، ص ۱۵۱-۱۵۰.

۲۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ج ۱۴، ترجمه احمد تدین، (تهران: رسا، ۱۳۹۲)، ص ۱۹۹.

۲۴. اولیویه، سفرنامه، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱)، ص ۱۸۲-۱۷۷.

۲۵. همان، ص ۱۸۸-۱۸۲.

۲۶. در عصر صفویه، مهم‌ترین کالای صادراتی ایران ابریشم بود که در گرجستان، خراسان، کرمان و بیشتر در گیلان و مازندران تولید می‌شد. در باره آمار تولید ابریشم، فرآورده‌های گوناگون ابریشمی و صادرات آن، شهرهای مهم در صنعت بافندگی، نیز پشم شتر و ...، نک: شاردن، ص ۴۸۰، ۵۳۷، ۹۰۳-۹۰۲؛ آدام اولناریوس، سفرنامه آدام اولناریوس، ج ۲، ترجمه حسین کردبچه (بی‌جا: شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹)، ص ۷۴۴. برای مبحث جالبی درباره ابریشم ایران دوره قاجار، نک: اس. جی. دبلیو بنجامین، ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، ج ۳، ترجمه محمدحسین کردبچه (تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴)، ص ۳۸۴-۳۷۷؛ چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران: گستره، ۱۳۶۲)، ص ۳۶۶-۳۵۵؛ احمد سیف، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم (تهران: چشمه، ۱۳۷۳)، ص ۱۳۳-۱۱۲.

تافته صادر می‌کرد اما بعد از آن بیشتر به صادرات پیله ابریشم اقدام شد. در عملیات مربوط به تولید پیله ابریشم، جایگاه اول از آن سرمایه‌داران خارجی (یونانیان، فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها) بود. همه‌ساله مقداری تخم توسط سوداگران خارجی به کشور وارد می‌شد. از آغاز دهه ۱۹۸۰م، پرورش کرم ابریشم در گیلان کاملاً توسعه یافت. گیلان به صورت مرکز مهمی برای صادرات ابریشم خام به بازارهای اروپایی درآمد و به تنهایی نه‌یازدهم ابریشم کشور را تولید می‌کرد.^{۲۷} حجم صادرات ابریشم را تا ۱۲۶۷ق/۱۸۵۰م، عیسوی^{۲۸} حدود ۲۸، فوران^{۲۹} ۳۱ تا ۳۸ و گیلبر^{۳۰} ۳۱/۳ درصد از کل صادرات ایران ذکر کرده‌اند. فوران و گیلبر معتقدند که در ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م، صادرات ابریشم به اوج خود رسید،^{۳۱} اما پس از آن دچار کاهش شد.^{۳۲} بخش عمده‌ای از این کاهش به واسطه بیماری کرم ابریشم^{۳۳} و واردات منسوجات ابریشمی از انگلیس و هند بوده است و بخش دیگری به از دست رفتن مناطقی از ایران در نواحی شمالی و حاشیه دریای مازندران کانون اصلی تولید ابریشم در طی جنگ‌های با روسیه و قراردادهای پس از آن^{۳۴} مربوط می‌شد. این کاهش در حجم صادرات ابریشم و دیگر محصولات ایران و افزایش واردات فرآورده‌های صنعتی اروپا و کنترل اروپائیان بر تجارت، تعرفه‌ها، حمل و نقل دریایی و خشکی، سبب منفی شدن تراز بازرگانی و خروج مسکوکات از کشور شد. بنا به گفته عامل شرکت هند شرقی، تجارت از بوشهر به هند از طریق خلیج فارس بیش از دو

۲۷. عبدالله‌یف، «روستائیان ایران در اواخر دوران قاجاریه»، ترجمه ماریتا کاظم‌زاده، در: مسائل ارضی و دهقانی (تهران: آگاه،

۱۳۶۱)، ص ۲۴۱-۲۴۰.

۲۸. عیسوی، ص ۳۶۰.

۲۹. فوران، ص ۱۸۷.

30. Gad. G. Gilbar, "The Persian Economy in The Mid-19Th Century," *Die Welt des Islams*, vol. 19, Issue 4/1, (1979), P. 187.

۳۱. بخش مهمی از این رشد مرهون صادرکنندگان و به‌ویژه یونانیان بود که به کمک‌های مالی خود به پرورش دهندگان از طریق بازرگانان کوچک که اکثراً ارمنه بودند افزودند. نماینده مؤسسه یونانی Pascali di در ۱۸۸۹ با دانه‌های پاستوریزه شده تخم کرم ابریشم ترکیه، ایتالیا و فرانسه به صنعت ابریشم ایران جان بخشید. پس از یونانیان، ایتالیایی‌ها و فرانسوی‌ها نیز وارد شده و به استفاده هنگفتی از ابریشم ایران دست یافتند. (مروین ل. انتنر، روابط بازرگانی روس و ایران (۱۹۱۴-۱۸۲۸)، ترجمه احمد توکلی، تهران: موقوفات افشار، ۱۳۶۹)، ص ۱۲۳-۱۲۲؛ پیتر آوری و دیگران، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، ۱۳۸۷)، ص ۴۹۹.

۳۲. فوران، ص ۱۸۷؛ Gilbar, p.187.

۳۳. این بیماری را در اروپا ماسکاردین و در ایران پبرین می‌گفتند، که علامت آن نقطه‌هایی سیاه روی بدن کرم ابریشم بود. نک: محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان؛ اوضاع اقتصادی ایران (تهران: سخن، ۱۳۶۲)، ص ۲۵.

۳۴. دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۱۸ - ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳-۱۸۰۳م) و با انعقاد عهدنامه گلستان و دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۴۳ - ۱۲۴۱ق/۱۸۲۷-۱۸۲۵م) با انعقاد عهدنامه ترکمانچای به پایان رسید.

سوم تجارت ایران را به خود اختصاص داده بود که بخش زیادی از مسکوکات ایران (طلا و نقره) برای واردات از این طریق خارج می‌شد.^{۳۵}

با کاهش حجم تولید و صادرات ابریشم، صادرات کالاهای دیگری افزایش یافت که می‌توان آنها را کالای جایگزین نامید. در میانه قرن نوزدهم میلادی، بخش قابل توجهی از تجارت خارجی ایران را که در آغاز این قرن در دست خود ایرانیان بود، اروپائیان در دست گرفتند. نیاز بازار جهانی و اقتصاد و تجارت خارجی همراه با توسعه حمل و نقل داخلی با دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای (روس و انگلیس) و پیمان‌ها و قراردادهای بازرگانی، تجارت ایران را تحت تأثیر قرار داد و در این فرآیند، برخی محصولات ایران از جمله صنایع دستی^{۳۶}، افول کرد اما برخی کالاها که مورد نیاز تجارت جهانی بود رشد پیدا کرد.^{۳۷} بخشی از صادرات ایران در این دوره: خشکبار، میوه‌جات، برنج، تریاک، تنباکو^{۳۸}، پنبه و ابریشم خام بود^{۳۹} که به تدریج تولید و صادرات پنبه خام^{۴۰} و تریاک به صورت چشمگیری افزایش یافت. گسترش تولید پنبه خام در ایران ناشی از تأثیر کمبود جهانی این کالا

35. A. Seyf, "FreeTrade, Competition, and Industrial Decline: The Case of Iran in the Nineteenth Century," *Middle Eastern Studies*, 40:3 (2007), p. 62.

۳۶. در این باره، نک: حسن کریمیان و عبدالکریم عطارزاده، «نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۱۲۰-۹۹.

۳۷. فوران، ص ۲۰۰-۱۷۷؛ آوری و دیگران، ص ۵۰۴-۴۸۸؛ عیسوی، ص ۴۱۰-۳۹۹.

۳۸. تنباکو از محصولات کشاورزی ایران دوره قاجار بود. نوعی از آن که شبیه تنباکوی ترک‌ها بود در شمال کشور کشت می‌شد و نوع دیگری از آن در نواحی مرکزی به عمل می‌آمد و بهترین نوع آن مخصوصاً در خاک حاصلخیز اطراف شیراز کشت می‌شد. مقدار زیادی از این محصول هرساله به خارج صادر می‌شد. ترکیه و ایران هر کدام سالانه در حدود یک میلیون دلار تنباکو به خارج صادر می‌کردند. بنجامین، ص ۳۷۵-۳۷۴؛ نیز نک: جرج ن. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ج ۲، چ ۴، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۵۹۴-۵۹۳.

۳۹. بنجامین، ص ۳۹۳-۳۷۴؛ کرزن، ص ۶۶۵. محصولات تولیدی ایران در این دوره، در: همان، ص ۶۲۸-۵۹۰؛ جمال‌زاده، ص ۲۹-۲۴.

۴۰. تولید پنبه در گذشته در ایران معمول بوده است. در باره کشت پنبه و نواحی تولید کننده آن در عصر صفویه، نک: اولناریوس، ص ۶۱۹ در قرن ۱۹م. پنبه تا حدودی در نواحی جنوبی ایران کشت می‌شد که محصول آن هم برای مصرف داخلی و هم صادرات به‌کار می‌رفت. (بنجامین، ص ۳۷۴) در حدود ۱۰۰,۰۰۰ عدل هرساله از ایران صادر می‌شد که بیشتر آن به بمبئی و قسمتی به مسکو حمل و بقیه در کارخانه‌های دستی یزد و کرمان استفاده می‌شد. مازندران، خراسان، سمنان، قم، کاشان، اصفهان و حوالی ارومیه و خوی در آذربایجان مراکز عمده این زراعت بودند. (کرزن، ص ۵۹۲) یکی از منسوجاتی که از پنبه ساخته می‌شد کرباس بود که بیشتر پوشاک طبقه متوسط بود ولی قسمت اعظم آن برای پوشش چادر مصرف می‌شد. در قم، سمنان و آباد نزدیک شیراز کرباس‌بافی پیشه و شغل مردم شده بود. پارچه دیگر کتانی که قدک گفته می‌شد در یزد، اصفهان، کاشان و به مقدار کم‌تر در بوشهر بافته می‌شد. یاکوب ادوارد پولاک، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، چ ۲، ترجمه کیکاووس جهانداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۳۷۹-۳۷۸.

بود. جنگ‌های انفصال^{۴۱} (۸۲- ۱۲۷۷ق / ۶۵- ۱۸۶۱م) در آمریکا، جریان انتقال پنبه جنوب آمریکا به اروپا را متوقف و قیمت‌ها را به سرعت بالا برد و در نتیجه کشورهای اروپایی از جمله انگلیس را به تکاپو واداشت تا در جستجوی منبع جدیدی برای تأمین پنبه مورد نیاز کارخانجات خویش باشند که منجر به افزایش تولید پنبه مصر، سوریه، ترکیه و ایران گردید.^{۴۲} مشتری مهم دیگر پنبه ایران، کشور روسیه بود که بنابه گزارش‌ها، صادرات پنبه، ابتدا بیشتر از تبریز، سپس از راه دریای خزر (پنبه مازندران، قزوین، زنجان، طارم و خراسان) به این کشور از سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۹۰۰م. همواره روند افزایشی داشته است.^{۴۳} اما پایان جنگ‌های انفصال و صدور دوباره این کالا به اروپا، صادرات پنبه خام از ایران را تا حدودی کاهش داد و این بار تریاک در رأس کالاهای صادراتی و درآمدزا برای تجارت خارجی و اقتصادی کشور تبدیل شد.^{۴۴} با کاهش ابریشم، تولید و صادرات تریاک در جنوب افزایش یافت و در ۱۲۹۷ق / ۱۸۸۰م، تریاک بیشترین حجم محصولات صادراتی را با ۲۵ درصد شامل می‌شد.^{۴۵} این رقم را عیسوی ۲۶ درصد^{۴۶} عنوان کرده است. تنها از طریق بندر بوشهر «به

۴۱. جنگ داخلی آمریکا (United States of American Civil War) جنگ بین ایالت‌های شمالی به رهبری آبراهام لینکلن از حزب جمهوری خواه و یازده ایالت جنوبی تحت فرمانروایی رئیس‌جمهور جفرسون دیویس که در ایالات متحده آمریکا برای لغو برده‌داری رخ داد.

۴۲. عیسوی، ص ۳۷۷- ۳۷۶؛ آوری و دیگران، ص ۵۰۰؛ کرزن، ص ۵۹۲؛ اولیویه، ص ۱۸۶.

۴۳. عیسوی، ص ۳۷۷؛ آوری و دیگران، ص ۵۰۰؛ جمال‌زاده، ص ۱۸- ۱۷؛ انتنر، ص ۱۲۰- ۱۱۹.

۴۴. با این که خشکاش و تریاک از روزگاران قدیم در ایران به‌عنوان دارو به‌کار می‌رفته و کشت خشکاش از اواخر قرن ۱۱ یا ۱۲م. ۵/ یا ق. در برخی نواحی چون یزد برای مصرف محلی معمول بوده، ولی در سال ۱۸۵۳ نخستین بار تریاک از اقلام صادراتی منطقه اصفهان ذکر گردیده است. هرچند دولت ابتدا کشت خشکاش را به‌رغم درآمد خوب آن، اما از ترس کاهش اراضی غله و خطر گرانی نان و امکان بروز شورش و آشوب در کشور منع می‌کرد، و اندکی بعد به سبب بروز تقلب در آن، تجارت تریاک دچار اختلال شد، اما با اقداماتی که دولت در زمینه نظارت بر آن انجام داد، تولید و تجارت آن ترقی کرد. (کرزن، ص ۵۹۵؛ عیسوی، ص ۳۶۷- ۳۶۶) جمال‌زاده، سال ۱۲۸۲ق / ۱۸۶۵م را که ابریشم ایران به علت ناخوشی «پیرین» خراب شد، شروع تجارت حقیقی تریاک ایران می‌داند. (ص ۳۰) به نقل عیسوی تا اواسط قرن نوزدهم تولید و مصرف تریاک در ایران بسیار کم بود، هرچند در اواخر قرن هیجده مقدار کمی از آن از راه بوشهر صادر می‌گردید. کنسول انگلیس در تهران در سال ۱۸۶۷م. از وجود تقاضای خوب برای تریاک گزارش داده و انتظار داشته که در آن سال حدود ۱۰,۰۰۰ من شاهی یا سه برابر بیشتر از حد معمول به چین صادر گردد. دوسال بعد جانشین این کنسول، محصول این کالا را ۵۴۰,۰۰۰ پوند و مقدار صدور آن را قریب ۲۵۰,۰۰۰ پوند گزارش داده است. (ص ۳۶۷- ۳۶۶) وی تقاضای خارجی را علت گسترش کشت تریاک دانسته و اشاره کرده در سال ۱۸۲۳م. یک بازرگان ایرانی محموله‌ای با کشتی به چین فرستاد و تولید و تجارت آن به آهستگی افزایش یافت که در ۱۸۵۹ / ۱۲۷۵ق. صادرات تریاک به حدود ۶۰,۰۰۰ پوند رسید. از آن پس سطح تولید ثابت ماند ضمن آنکه افزایش مصرف داخلی مقدار صادرات آن را کاهش داد. برآورد می‌شد که بازده پولی تریاک سه برابر گندم باشد و از این رو در بسیاری از مناطق جای این محصول را گرفت و در کمبود غله دهه ۱۸۷۰ / ۱۲۸۷ق. سهم داشت. (آوری و دیگران، ص ۴۹۹)

۴۵. فوران، ص ۱۸۸- ۱۸۷.

۴۶. عیسوی، ص ۲۰۶.

طور متوسط هرساله در حدود دو هزار جعبه تریاک ایران به ارزش ۷۳۲ هزار دلار به انگلستان صادر می‌شد، البته مقادیری هم به چین و سایر نقاط جهان از طریق بنادر و مرزهای دیگر فرستاده»^{۴۷} می‌شد. «چون مقدار مرفین تریاک ایران زیادتر از تریاک کشورهای دیگر بود، نوع مرغوبی به‌شمار می‌رفت و در کشورهای خارجی خریدار زیادی داشت»^{۴۸} و یکی از مهم‌ترین صادرات ایران بود. «قسمت عمده تریاک ایران در ایالات کرمانشاه و اصفهان کشت می‌شد. اصفهان مرکز تجارت تریاک ایران به‌شمار می‌رفت و تریاکی که در اطراف آن کشت می‌شد از بهترین انواع تریاک و مرفین آن به ۱۵ تا ۱۶ درصد می‌رسید که بالاترین حد مرفین در تریاک‌های جهان بود. پیش از آن، تریاک‌های قم، تهران و یزد هم شهرت داشت و مقدار مرفین تریاک قم از اصفهان هم بیشتر بود.»^{۴۹} به گزارش بنجامین سفیر آمریکا، در زمان دیدار وی از ایران (سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵م)، قیمت متوسط تریاک خام ایران کیلویی ۴/۷۷ دلار بود و قیمت هر جعبه تریاک نیم کیلویی با مخارج بسته‌بندی و عمل آوردن بالغ بر ۳۶۶/۶۶ دلار می‌شد.^{۵۰} بنابه گزارش‌های بنجامین و کرزن، دو عامل موجب کاهش محصول تریاک ایران شد. یکی تقلب در تریاک‌های صادراتی که بازار آن را کمی راکد کرد زیرا که مقداری شن و خاک و دانه‌های نباتی داخل شیرۀ تریاک مخلوط می‌کردند، دیگری اقدام دولت در جلوگیری از کشت تریاک در پاره‌ای از نقاط که محصول گندم را کاهش داده بود.^{۵۱} با وجود این نوسانات، تریاک همچنان جایگاه مهم خود را در صادرات کشور حفظ کرد، چنانکه کرزن در سال ۱۸۸۹م. صادرات تریاک را، به رغم پیش‌بینی خطر شکست کلی آن در سال ۱۸۸۳-۱۸۸۲م، امیدوارکننده خوانده و رقم ۱,۹۰۰,۰۰۰ تومان را برای آن ذکر کرده که در میان کالاهای کشاورزی ایران در رأس قرار داشته است.^{۵۲} هر چند «با توجه به نبود هر نوع کنترل بر عرضه تریاک رقیبانی نظیر بنگال، ژاپن یا بازارهای چین، افریقای جنوبی و انگلستان، صادرات ایران بعد از سال ۱۹۰۰م/۱۳۱۷ق دچار افت و خیزهای شدیدی گردید، روندی که بر اثر خشکسالی، محصول بیش از حد، تقلب و تعرفه نامساعد تشدید می‌شد.»^{۵۳} از سوی دیگر، فرش که در ۱۲۶۷ق/

۴۷. بنجامین، ص ۳۷۷.

۴۸. همان، ص ۳۷۶.

۴۹. همان. برای آگاهی از مراکز تولید، بازارهای فروش و راه‌های صدور تریاک، همچنین، نک: کرزن، ص ۵۹۶-۵۹۵؛ عیسوی،

ص ۳۷۱-۳۶۶؛ جمال‌زاده، ص ۳۱-۳۰؛ سیف، ص ۲۲۹-۲۰۲.

۵۰. بنجامین، ص ۳۷۷.

۵۱. همان، ص ۳۷۶؛ کرزن، ص ۵۹۵.

۵۲. کرزن، ص ۵۹۵، ۶۶۵.

۵۳. فوران، ص ۱۸۷.

۱۸۵۰م، درصد بسیار محدودی از صادرات را به خود اختصاص داده بود، با تنزل اهمیت ابریشم و پنبه و نوسان تریاک، جایگاه خود را در تولید و صادرات به دست آورد. چنانکه در سال ۱۸۸۹م. پس از تریاک (با همان رقم که ذکر شد)، ابریشم خام (۱,۳۰۰,۰۰۰ تومان)، برنج (۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان)، پنبه (۵۰۰,۰۰۰ تومان)، مقام پنجم را با ۳۰۰,۰۰۰ تومان، داشته که با صادرات تنباکو (۳۰۰,۰۰۰ تومان) برابر بوده است.^{۵۴} کرزن (در سال مزبور) به کاهش محصول پنبه و ابریشم ایران نسبت به گذشته و حتی کاهش کشت خشخاش و تولید تریاک در مقطعی، اشاره کرده و واژه «شکست» را برای تولید و صادرات ابریشم ایران از زمان بروز آفت ۱۸۶۴م به کار برده، صنعتی که به اعتقاد وی، «نخستین بار ایران را از لحاظ اروپای جدید مشهور گردانید و سابقاً محصول ثروت خیزی بود.»^{۵۵} شهرت دیرینه فرش ایران و اهمیت آن، وجود بازارهای جهانی و تقاضای خارجی برای این محصول با گسترش مراودات تجاری و تسهیلاتی که در شرایط جهانی در امر حمل و نقل کالاها پدید آمده بود، توجه به این کالا را افزون ساخت. کالایی که به تعبیر کرزن، چنان شهرتی یافته بود که «کمتر خانواده طبقه بالا در انگلستان یا آمریکا در این فکر نیست که خواه از جنس ممتاز و یا عادی آن را فراهم نسازد و این کار بدون شک و انکار نشانه فرهنگ و تمدن است.»^{۵۶}

تغییراتی که در وضعیت تجارت ابریشم و پنبه و تریاک پدید آمد، ایجاد دگرگونی‌هایی در تجارت خارجی، فراهم بودن مواد خام برای تولید فرش در داخل، وجود نیروی انسانی برای کار در کارگاه‌های قالی‌بافی با همه شرایط دشوار آن، و عرضه تقاضای جهانی، به دست آمدن جایگاه برتر را برای فرش هموار نمودند. در کنار این شرایط بسترساز، عوامل دیگری نیز در رشد این جایگاه نقش داشته‌اند، که به چند مورد از آن اشاره می‌شود.

یکی از عوامل تأثیرگذار و اساسی در رشد جایگاه صنعت فرش ایران، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی بوده است، که نمایشگاه عتیقه در لندن و نمایشگاه وین و تلاش مرداک اسمیت^{۵۷} برای شناسایی فرش ایران از آن جمله بوده است. اهداء چندین فقره فرش به موزه عتیقه لندن باب آشنایی بیشتر اروپاییان را با فرش ایران فراهم آورد. ناصرالدین شاه در سفر به اروپا و برای تحریک مرداک اسمیت برای ایجاد بخشی در نمایشگاه لندن به عنوان «بخش هنر ایران»، چندین قلم کالا به موزه اهداء کرد که از مهم‌ترین این اقلام، دو قطعه فرش بود، که هنوز در موزه وجود دارد. یکی از

۵۴. فوران، ص ۶۶۵.

۵۵. همان، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۵.

۵۶. کرزن، ص ۶۲۳.

آنها ابریشم کاشان و توسط یحیی خان برادر ناتنی شاه به آن موزه اهدا شد. بعد از چند ماه، در مارس ۱۸۷۷م/ ۱۲۹۴ق، تعداد چهارده پارچه فرش (۴ فراهان، ۵ کردستان، ۲ مشهد، ۳ نائین خراسان) و ۲۶ شال و ۱۰ منسوجات دیگر نیز به نمایشگاه فرستاده شد.^{۵۸} از سوی دیگر نمایشگاه جهانی سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م در وین و وجود تعداد زیادی فرش از قفقاز، ترکیه و ایران باعث تقاضای گسترده برای فرش دستباف در اروپا شد و به رونق صنعت فرش کمک کرد. نمایشگاه فرش جهان شرقی ۱۳۰۹ق/ ۱۸۹۱م در وین و ۱۳۱۰ق/ ۱۸۹۲م در لندن، در افزایش تقاضا برای فرش ایرانی در غرب نیز نقش بسزایی داشت. این اقدامات اولیه باعث آشنایی و علاقمندی اروپاییان به صنعت فرش ایران و از سویی سبب رشد تقاضا و سرمایه‌گذاری در فرش و تولید کارگاه‌های فرش‌بافی در نواحی مختلف ایران شد. به دنبال این توجهات و رشد تقاضا، احیاء تجارت فرش ایران در ابتدا توسط تجار محلی آغاز شد. این تجار روستاهای اطراف را برای یافتن فرش و صدور آن به خارج از کشور جستجو کردند. مرکز اصلی این تجارت محلی در ابتدا تبریز یکی از شهرهای عمده و تجاری و پس از آن مشهد و رشت بوده است.^{۵۹}

افزون بر این، تنوع در طرح‌ها و بافت‌های فرش ایران، دستباف بودن و مرغوبیت آن موجب شهرت جهانی و صادرات آن به کشورهای دیگر شده بود. زیرا فرش‌های ایران در شهرهای مختلف تولید می‌شد و هر شهر نقشه‌ها و طرح‌ها و سبک‌های خاص خود را در قالی‌بافی داشت. نیز رنگ و جنسی که هر شهر مصرف می‌کرد با دیگری اختلاف داشت و همین موارد، فرش‌ها را با وجود شباهت ظاهری از هم متفاوت می‌کرد و تنوع زیادتری به فرش‌ها می‌داد.^{۶۰}

رونق و توسعه صنعت فرش در نیمه دوم قرن نوزدهم

در نیمه دوم قرن نوزدهم و در کنار عواملی که ذکر شد، صنعت فرش به منظور تولید و صادرات مورد توجه قرار گرفت. تحول در صنعت فرش ایران در اواسط دهه ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م آغاز و با سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی همراه شد و نتیجه آن به افزایش تولید فرش و رشد صادرات منجر شد. در آن دهه، «نفوذ رو به رشد فرش ایران در اروپا و ایالات متحد آمریکا به تقاضای آن در بازار بسیار افزود و پیشرفت کشتی‌رانی بخاری، هزینه بالای حمل آن را کاهش داد. سرمایه‌داران

58. Leonard M. Helfgott, "Carpet Collecting in Iran 1883-1873 rebert Murdoch smith and the formation of the modern carpet industry," *Muqarnas*, vol. 7 (1990), p. 177.

59. Martin Rudner, "The Modernization of Iran and the Development of the Persian Carpet Industry: The Neo-Classical Era in the Persian Carpet Industry 1925 - 45," *Iranian Studies*, 44:1 (2011), p. 50.

بریتانیایی، روسی و آلمانی در این صنعت سرمایه‌گذاری کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگی که گاه‌صدها کارگر داشتند در ایران به کار افتادند. تجار داخلی نیز کارگاه‌های بزرگی تأسیس کردند. اما در واقع حجم عظیم تولید مربوط به مراکز سنتی بود که سرمایه‌آنها را نیز معمولاً کسبه و تجار تأمین می‌کردند.^{۶۱} به دنبال اقدامات اولیه در جهت شناسایی فرش ایران در اروپا، که پیشتر بدان اشاره شد، سازماندهی تولید آن با سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی شروع شد و تا ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م، به شدت افزایش یافت.^{۶۲} یکی از عوامل تأثیرگذار در رشد صنعت فرش ایران نقش شرکت‌ها و نمایندگان خارجی بوده است. شرکت‌های چند ملیتی که در زمینه تجارت فرش ایران سرمایه‌گذاری کردند، شرکت زیگلر^{۶۳}، شرکت ایتالیایی - انگلیسی برادران کاستلی^{۶۴}، شرکت یونانی - انگلیسی، شرکت هوتس و پسران^{۶۵}، شرکت فرش ایران پتاک، شرکت تولید قالی شرق و شرکت تولید قالی ایران، از شرکت‌های عمده در زمینه تولید فرش بودند، که در ایران سرمایه‌گذاری کردند.^{۶۶} شرکت زیگلر در واردات کالاهای اساسی و صادرات محصولات خام، پشم و فرش نقش اساسی ایفا نمود. پارچه، تریاک و خشکبار ایران را نیز صادر می‌کرد و مقادیر زیادی اجناس تولید شده در منچستر را هم وارد ایران می‌کرد. این شرکت ابتدا در صادرات ابریشم گیلانی و واردات کالاهای نخی منچستر که شعبه اصلی آنها در آنجا بود، اشتغال داشت اما مشکلات ناشی از فروش باعث شد به خرید فرش ایران برای صادرات روی بیاورد. شرکت انگلیسی و سویسی زیگلر در سال ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م در تبریز و در ۱۳۰۱ق/۱۸۸۳م در سلطان‌آباد (اراک) شروع به سرمایه‌گذاری و ایجاد دفاتر و شعب نمود، در تولید و صادرات فرش دستباف ایرانی و بازاریابی در خارج از کشور ایفای نقش کرد. این شرکت از یک سو، از طریق مذاکره و توافق با عوامل محلی، مواد خام و پشم را تهیه و از سوی دیگر، فرش را پیش از بسته‌بندی و صادرات به دقت مورد بازرسی قرار می‌داد. در گزارش سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴م در مورد شرکت زیگلر آمده است که دارای تأسیسات بزرگ، حدود ۴۰ هزار یارد مربع با هزینه ۶ هزار لیره بوده که در آنجا پشم بافته را تحویل بافنده می‌دادند. این

۶۱. آوری و دیگران، ص ۴۹۹-۴۹۸.

۶۲. عیسوی، ص ۴۶۹-۴۶۸.

63. Zigler Co.

64. Near Co. Casteli Brothers

65. Company huts and son

۶۶. کرزن، ص ۶۲۴؛ عیسوی، ۴۷۲؛ آرنولد هنری ساویج لندور، اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت «در سرزمین آرزوها»، ج ۲، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی (تهران: اطلاعات، ۱۳۹۲)، ص ۱۲۶-۱۲۵؛ دنیس رایت، نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی (تهران: فرخی، ۱۳۶۱)، ص ۱۵۳-۱۵۱؛ احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۵۴-۵۳.

تأسیسات چنان بزرگ بود که مردم سلطان آباد نام قلعه بر آن گذاشته بودند.^{۶۷} به نوشته سفیر فرانسه که در سال ۱۹۰۶م به ایران آمده «آقایان زیگلر حق‌العمل کاران سویسی مقیم منچستر در دادوستد با ایران تبحر پیدا کرده بودند و تجارتخانه مرکزی آنها در تبریز و شعباتش در شهرهای تهران، اصفهان، یزد، شیراز و بوشهر دایر بود. شعبه سلطان آباد آن منحصرأ به صادرات قالی اختصاص داشت.»^{۶۸} افزون بر این شهرها، دامنه کار را به رشت، مشهد، بندرعباس و بغداد کشاند. در این شهرها نمایندگانی مستقر کرده بود که برای او کار می‌کردند. فرش‌ها را برای بافت سفارش می‌داد و فرشی را صادر می‌کرد که برای بازار اروپا مناسب بود. غیر از فرش، انواع کالاهای دیگر مثل پارچه‌های قلمکار، «مخمل کاشان، ابریشم رشت، شال‌های بافت کرمان، پارچه‌های زری‌دوزی شده یزد و دستمال‌های ابریشمی مناطق ابریشم‌خیز ایران مانند تبریز، رشت، کاشان و یزد نیز جزء اقلام صادراتی این شرکت بود.»^{۶۹} رایت، فرش و تجارت آن را تا پیش از کشف نفت و تا پیش از پایان دوران قاجاریه، یکی از مهم‌ترین صادرات ایران و عامل موازنه تجارت ایران با اروپا به‌شمار می‌آورد و تأکید می‌کند که شرکت زیگلر با روی آوردن به تجارت فرش در این راه نقش مهم و حساسی را ایفا کرده است.^{۷۰}

شرکت تجاری تولید قالی شرق ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م در لندن از ادغام شش کمپانی در کارخانه‌جات قالی تشکیل شد. در ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م در ایران توسط این کمپانی، کارخانه قالی‌بافی با ۱۵۰ کارگاه و دو ساختمان ایجاد شد.^{۷۱} شرکت هوتس و پسران در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م و شرکت فرش ایران پیتاک ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م در ابتدا با سه و سپس با ده میلیون مارک سرمایه شروع به کار کرد. این شرکت برخلاف دیگر شرکت‌ها از رنگ طبیعی در فرش‌های خود استفاده کرد. این عمل به شکوفایی بیشتر صنعت فرش ایران در این دوره کمک مؤثری نمود.^{۷۲} شرکت هوتس عملاً در همه زمینه‌ها فعالیت داشت و موفقیت‌های خوبی نیز به‌دست آورد. دفاتر بزرگی در اصفهان، شیراز، بوشهر و دو دفتر در اهواز و تهران تأسیس کرد. در بغداد، بصره، هونگ‌کونگ و روتردام هم دفاتری دائر کرد.

۶۷ لندور، ص ۱۲۶-۱۲۵؛ عیسوی، ص ۴۷۲؛ رایت، ص ۱۵۳-۱۵۲؛ فضل‌الله حشمتی رضوی، تاریخ فرش، سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران، ج ۱ (تهران: سمت، ۱۳۸۷)، ص ۲۴۲-۲۴۰.

۶۸ اوژن اوبن، ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶، ترجمه علی‌اصغر سعیدی (بی‌جا: زوار، ۱۳۶۲)، ص ۳۲۵.

۶۹ لندور، ص ۱۲۵، ۱۲۶.

۷۰ رایت، ص ۱۵۳.

۷۱ عیسوی، ص ۴۷۱.

۷۲ قاسم انصاری و قنبرعلی کرمانی، تجارت در دوره قاجاریه (تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰)، ص ۳۶۲.

مرکزی این شرکت در لندن بود. دفتر قالی‌بافی آن در سلطان‌آباد به وسیله شرکت فرش ایران اداره می‌شد. صادرات شرکت هوتس هم شبیه شرکت زیگلر بود^{۷۳} و از روسیه اجناس روسی وارد ایران می‌کرد که ارزان‌تر و ساده‌تر فروش می‌رفتند.^{۷۴} در نتیجه فعالیت سه شرکت انگلیسی: زیگلر، تولید قالی ایران و تولید قالی شرق، در منطقه سلطان‌آباد، از یک‌سو، تعداد کارگاه‌های فرش‌بافی افزایش یافت و از سوی دیگر، تعداد دارهای قالی از ۴۰ واحد در ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م به ۳۰۰۰ واحد در ۱۳۰۷ق/ ۱۸۹۰م رسید.^{۷۵} یعنی تعداد دارهای قالی در یک دوره ۲۰ ساله حدود ۷۵ برابر افزایش یافته است. یک شرکت انگلیسی دیگر به نام گری، پل و شرکا^{۷۶} در سال ۱۸۶۶م. در بوشهر تأسیس شد که به صادرات فرش، پشم، خرما، تریاک و سایر محصولات ایران اشتغال داشت و تولیدات مستعمرات بریتانیا و محصولات تولیدی هند و اروپا را به ایران وارد می‌کرد.^{۷۷} شرکت‌های کوچک‌تری هم در تهران وجود داشتند مانند توکو^{۷۸}، ویریون^{۷۹} و چند شرکت دیگر که در همه زمینه‌ها فعالیت داشتند. این شرکت‌ها کاملاً در دست خارجی‌ها (بلژیکی‌ها، اتریشی‌ها و فرانسوی‌ها) اداره می‌شدند.^{۸۰}

در آذربایجان صنعت قالی‌بافی به عنوان مهم‌ترین صنعت از ۱۸۸۱م. به ابتکار بخش خصوصی دائر شد. بزرگ‌ترین کارخانه‌ها، در سال ۱۸۸۸م. توسط تاتاری از اهالی یلیزوتپول^{۸۱} موسوم به بابا محمودوف گنجه‌ای، در محله نوبر تأسیس گردید.^{۸۲} با اقداماتی که در زمینه رشد کارخانه‌های قالی‌بافی انجام گرفت، تجارت فرش آذربایجان از رکود خارج و وارد مرحله شکوفایی خوبی شد. فرش‌های پشمی در خود منطقه استفاده می‌شد، اما دیگر محصولات تبریز به‌ویژه فرش و گلیم به ترکیه و روسیه صادر می‌شد و تبریز به مرکز صادرات کالاهای ایرانی در شمال ایران تبدیل شده بود.^{۸۳}

۷۳. لندور، ص ۱۲۶.

۷۴. همان، ص ۱۲۵.

۷۵. اشرف، ص ۵۵.

76. Gray, Paul & Co.

۷۷. رایت، ص ۱۵۴.

78. Toko

79. Virion

۸۰. لندور، ص ۱۲۶.

۸۱. Elisavetpol، شهر قدیمی گنجه.

۸۲. اوپن، ص ۷۱.

۸۳. لندور، ص ۱۴۸. درباره نقش تبریز، گمرک این شهر و بازرگانان تبریزی در ترانزیت کالاهایی که از روسیه و ترکیه وارد

ایران می‌شدند، نک: اوپن، ص ۷۰.

رشد سریع در تعداد مراکز عمده تولید فرش، افزایش در تعداد کارگاه‌ها و دستگاه‌های بافندگی را به همراه داشته است. تعداد کارگاه‌های قالی از چند هزار در ابتدای قرن نوزدهم به حداقل ۱۷۰۰۰ در پایان قرن رسید. بعد از اوایل دهه ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م، با ورود سرمایه، کارآفرینان و نیروی کار، صنعت فرش به صورت قابل ملاحظه‌ای رشد پیدا کرد و افزایش سریع در تولید را به همراه داشت.^{۸۴} افزایش تولید اوایل دهه ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م به همراه افزایش حجم صادرات فرش، نشان‌دهنده رشد کلی در این صنعت و اهمیت آن در تجارت خارجی برای ایران بود. اعتمادالسلطنه به رواج کار قالی‌بافی و عمده و عالی بودن تجارت آن در عصر ناصری اشاره کرده است.^{۸۵}

جدول ۱: بررسی تطبیقی صنعت فرش و تحولات آن

مرحله اول؛ سنتی؛ پیش از توسعه	مرحله دوم؛ صنعتی؛ پس از توسعه
۱. تولید جنبه مصرف داخلی و در حجم محدود بود.	۱. تولید جنبه صادراتی و در حجم انبوه بود.
۲. اشتغال محدود و بیشتر زنان به تولید می‌پرداختند.	۲. اشتغال زنان و مردان در کار تولید
۳. مواد خام بیشتر در منطقه و از عشایر تهیه می‌شد.	۳. مواد خام از بازار و حتی از خارج وارد می‌شد.
۴. ابزار تولید ساده و ابتدایی بود.	۴. ابزار به صورت صنعتی و پیشرفته بود.
۵. محدود بودن تعداد دارهای قالی و کارگاه‌های قالی‌بافی	۵. افزایش کارگاه‌ها و دارهای قالی

تجارت و صادرات فرش

تجارت فرش در نیمه دوم قرن نوزدهم و در نتیجه عوامل ذکر شده دارای روند رو به رشد و صعودی شد. افزایش حجم تولید داخلی و رشد تقاضای خارجی در توسعه میزان صادرات فرش نقش اساسی را ایفا نمود. در چهار کانون و مرکز صادرات ایران (کرمانشاه، خلیج فارس، خراسان و تبریز) حجم صادرات فرش و ارزش اعتباری حاصل از آن دارای روند رو به رشدی بوده است. تحولات صنعت فرش و افزایش تولید سبب رشد صادرات این کالای تجاری شد، که بخش عمده‌ای از این صادرات از طریق تبریز و نواحی غربی با عثمانی و بخشی از طریق خراسان و نواحی شمال و شمال شرقی با روسیه انجام می‌گرفت. صادرات قالی از طریق کرمانشاه به بغداد در دوره ۲۰ ساله از ۱۳۲۵ - ۱۳۰۴ق/ ۱۹۰۷ - ۱۸۸۶م از ۱۲۶۷۵ به ۳۱۹۷۵ لیره افزایش یافته است و حدود ۲/۵ برابر رشد

84. Gilbar, (1979), p. 77.

۸۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ج ۱، به کوشش ایرج افشار (بی‌جا: اساطیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۵.

داشته است. از خلیج فارس در طی همین دوره زمانی از ۳۸۶۵۶ به ۶۸۸۸۹ لیره یعنی حدود ۱/۷ و در برخی دوره‌ها ۲/۸ برابر افزایش داشته است. ارزش صادرات فرش از خراسان به روسیه از رقم ۱۲۳۳۷ لیره در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۸۹م. به رقم ۸۸۰۷۲ لیره در سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۸م. افزایش یافت که حدود ۷ برابر رشد داشته است. اما بیشترین حجم صادرات و درآمد ارزی مربوط به صادرات تبریز به روسیه است که در طی دوره ۳۷ ساله از ۱۳۰۴-۱۲۸۸ق/ ۱۹۰۷- ۱۸۷۰م از ۱۳۲۰۰ به ۴۲۱۱۰۲ لیره یعنی بیش از ۳۲ برابر افزایش یافته است. این نسبت برای سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م به حدود ۶۰ برابر نیز رسیده است.^{۸۶}

جدول ۲: صادرات عمده (درصد کل) در سه مقطع ۱۸۵۰، ۱۸۸۰ و ۱۳-۱۹۱۲م^{۸۷}

محصول	۱۸۵۰م	۱۸۸۰م	۱۳-۱۹۱۱م
ابریشم و تولیدات آن	۳۸	۱۸	۵
منسوجات پنبه‌ای و پشمی	۲۳	۱	۱
حبوبات	۱۰	۱۶ بیشتر برنج	۱۲ بیشتر برنج
میوه‌جات	۴	۶	۱۳
تنباکو	۴	۵	۱
پنبه خام	۱	۷	۱۹
تریاک	۰۰	۲۶	۷
فرش	۰۰	۴	۱۲

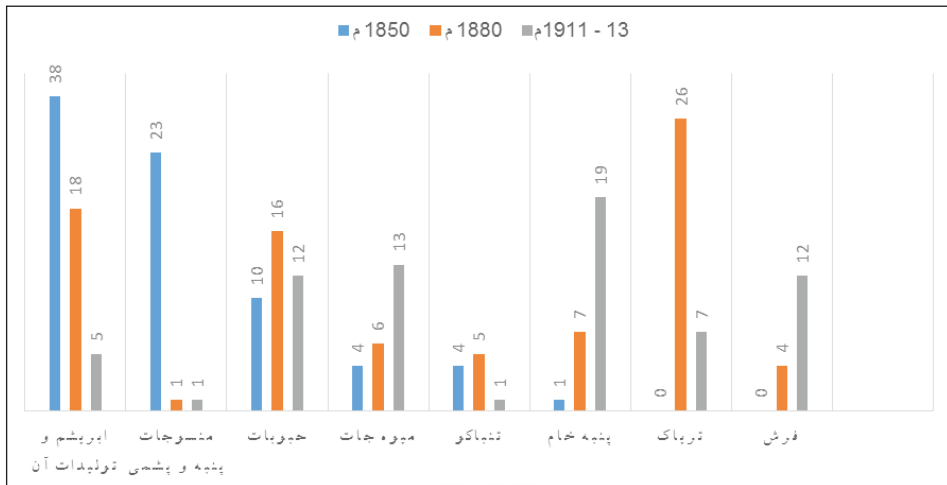
نمودار این جدول به صورت زیر نمایش داده شده است. هر محصول در سه مقطع مختلف نمایش داده شده و نسبت به محصولات دیگر در همان سال‌ها قابل مقایسه است.

سیف، 86. A. Seyf, "The Carpet Trade and the Economy of Iran 1870-1906," Iran, Vol. 30 (1992), p. 103

ص. ۱۹۰-۱۸۵

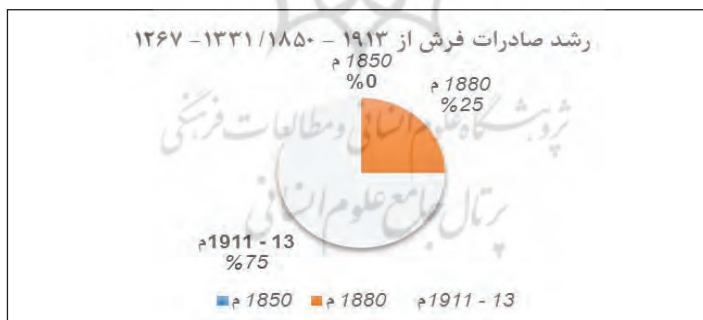
در آماری از صادرات ایران با روسیه که کالاهای متعددی در آن فهرست شده، کالای پشمی و فرش با هم در سال ۱۸۴۴م، ۱۰۳/۹ (به هزار روبل) و در سال ۱۸۷۰م، ۶۹/۶ (به هزار روبل) بوده است. در این فهرست، پنبه ۱۹/۲ و ۸۴۴/۲ نخ و پنبه ۶۲ و ۵۱/۳، ابریشم ۱۸۰/۹ و ۸۸/۳، کالای پنبه‌ای ۱۴۵۶/۳ و ۱۰۳۷/۱، کالای ابریشمی ۵۱۰/۱ و ۲۶۴/۲ و پشم جداگانه بدون آمار و ۴ بوده است. نک: انتنر، ص ۱۴۶.

۸۷. عیسوی، ص ۲۰۶.



نمودار ۱: صادرات عمده ایران در سال‌های ۱۸۵۰، ۱۸۸۰ و ۱۹۱۲-۱۳ (درصد کل)

بر پایه نمودار فوق، صادرات فرش در طی یک دوره سی ساله از ۱۲۹۷ - ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۸۰-۱۸۵۰ م از صفر به ۴ درصد افزایش یافته و این روند افزایشی تا ۱۳۳۱ ق/ ۱۹۱۳ م به حدود ۱۲ درصد از کل صادرات کشور رسید، که دارای رشد قابل توجهی است.



در ۹-۱۲۸۸ ق/ ۲-۱۸۷۱ م ارزش کل صادرات فرش به حدود ۳۰ هزار لیبره و در اواخر دهه ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م به ۹۰ هزار لیبره افزایش یافت. در طی دهه بعد، این مقدار به بیش از دو برابر و در ۲۰-۱۳۱۹ ق/ ۲-۱۹۰۱ م صادرات فرش‌های پشمی به تنهایی به حدود ۲۵۰ هزار لیبره رسید. اوایل دهه ۱۳۱۸ ق/ ۱۹۰۰ م دوره‌ای از رشد سریع صادرات فرش بود به صورتی که در ۵-۱۳۲۴ / ۷-۱۹۰۶ م که اوج تولید و صادرات فرش بود، حدود ۸۸۱ هزار لیبره از طریق صادرات این کالا

به دست آمد.^{۸۸} فرش در ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م حدود ۱۰ درصد و در ۳۲-۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۴-۱۹۱۱م حدود ۱۲ درصد از صادرات را به خود اختصاص داد، که این میزان حدود یک هشتم کل تجارت خارجی را شکل می داد و فرش را تبدیل به یکی از عمده ترین اقلام صادراتی کرد و تقاضای فرش از ۷۵۰۰۰ پوند استرلینگ در دهه ۱۸۷۰ به یک میلیون پوند در ۱۹۱۴م رسید. البته اندکی بعد نفت به جای فرش در مقام اول قرار گرفت.^{۸۹} ارزش متوسط صادرات فرش و محصولات پشمی برای ۲۵-۱۳۱۷ق/ ۷-۱۹۰۰م حدود ۱۷ برابر بیشتر از دهه ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۰م و بیش از ۱۰ درصد بیشتر از ۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۴م بود.^{۹۰} بنابه گزارشی، «قالی تبریز هر متر مربع از ۱۲ تا ۴۵ تومان و فرش هریس که رایج تر بود متری از ۶ تا ۲۵ تومان خرید و فروش می شد. بنابراین هر قطعه از این قالی ها در بازارهای اروپایی نسبت به قیمت ایران، به بهای بسیار بالایی عرضه می شد. مصر مرکز عمده فروش قالیچه های ابریشمی بود ولی قالی های پشمی از طریق استانبول به آمریکا صادر می شد. تجارت خانه های مختلف فرش در استانبول در تبریز، که با همدان و مشهد بازار عمده قالی ایران به شمار می رفتند، نمایندگی های تجاری داشتند. تجارت قالی های کردستان و عراق عجم بیشتر در همدان متمرکز بود و از طریق بغداد، و فرش های ترکستان، هرات و بلوچستان توسط تاجران مشهدی، از راه آسیای مرکزی به خارج صادر می شد.»^{۹۱} آمار سال ۱۹۰۶-۱۹۰۵م، صدور معادل ۲۲,۶۵۱,۹۸۰ قران قالی را از مسیر گمرک تبریز نشان داده است.^{۹۲} فرش های سلطانیه (اراک) در اندازه های بسیار بزرگ و با طرح های درشت و زمینه کاملاً تزئینی، بیش تر به منچستر صادر می شد. قسمت عمده آنها در خود انگلستان، بقیه در سایر کشورهای منطقه به فروش می رسید و آمریکا سهم ناچیزی داشت. البته ظرافت قالی های سلطانیه نسبت به قالی های شهرهایی چون تبریز و کرمان (که هر سه از مراکز عمده صنعت قالی بافی ایران بودند) کم تر و بهای این نوع قالی ها نیز ارزان تر بود. هر ذرع (۱۰۲ سانتیمتر مربع) از این قالی ها، از چهار تا دوازده تومان قیمت داشت.^{۹۳} در دیدار بروگش از این شهر، قالیچه های کوچک در عرض ۳/۵ تا ۴ و طول ۶/۵ تا ۷ پا هر عدد به قیمت سه تومان و قالی های بزرگ و خوش بافت حداکثر حدود سی تومان

88. Gilbar (1979), p.77.

۸۹. فوران، ص ۱۸۳-۱۸۲، ۱۹۹؛ آوری و دیگران، ص ۴۹۹.

90. Seyf (1992), p.103.

۹۱. اوین، ص ۷۲.

۹۲. همان، ص ۷۱.

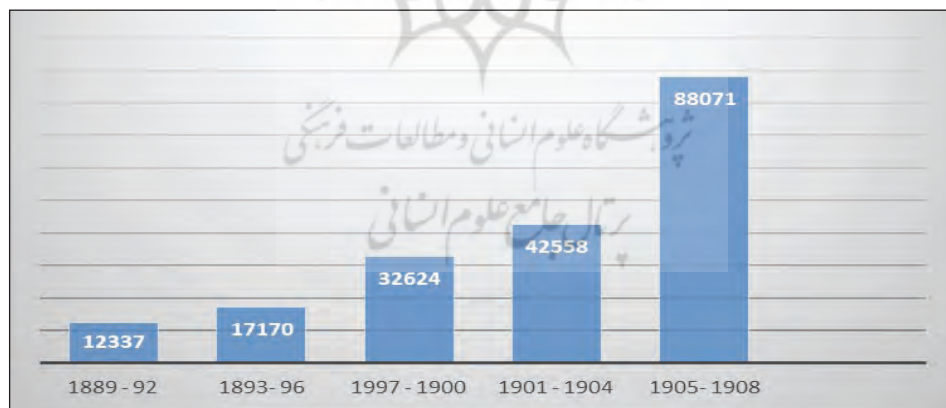
۹۳. همان، ص ۳۲۵.

فروخته می‌شد.^{۹۴} گزارش پولاک حاکی از آن است که یک قالی بزرگ در ابعاد ۶ در ۳ (طول و عرض) بین ۱۲ تا ۴۰ تومان و قالیچه‌ای که برای نمازگزاردن به کار می‌رفت بین ۴ تا ۱۰ تومان قیمت داشت.^{۹۵}

جدول ۳: ارزش قالی‌های صادراتی از خراسان به روسیه (۱۹۰۸-۱۸۸۹م)^{۹۶}

متوسط سالانه	به تومان	شاخص	به لیبره استرلینگ	شاخص
۱۸۸۹-۹۲	۴۳۹۷۷	۱۰۰	۱۲۳۳۷	۱۰۰
۱۸۹۳-۹۶	۸۷۸۸۴	۲۰۰	۱۷۱۷۰	۱۳۹
۱۸۹۷-۱۹۰۰	۱۶۳۱۲۰	۳۷۱	۳۲۶۲۴	۲۶۴
۱۹۰۱-۱۹۰۴	۲۲۷۶۸۵	۵۱۸	۴۲۵۵۸	۳۴۵
۱۹۰۵-۱۹۰۸	۴۸۱۰۶۶	۱۰۹۴	۸۸۰۷۱	۷۱۴

آمار و ارقام این جدول نشان می‌دهد که قالی‌های صادراتی از خراسان به روسیه نیز افزایش چشمگیری داشته است. نمودار این جدول به صورت زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۲: صادرات فرش از خراسان به روسیه ۱۳۲۶-۱۳۰۶ق/ ۱۹۰۸-۱۸۸۹م

۹۴. هینریش بروگش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ج ۳، ترجمه محمدحسین کردیچه (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹)، ص ۳۳۵.

۹۵. پولاک، ص ۳۸۰.

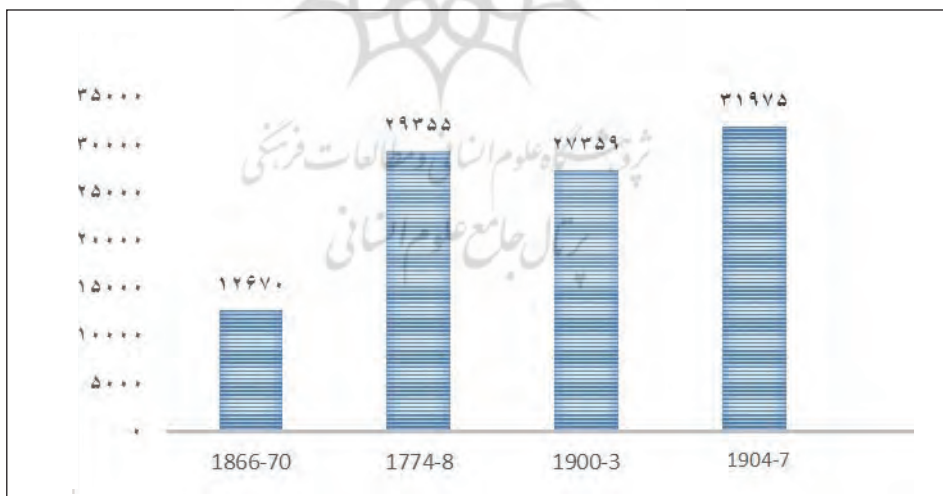
۹۶. سیف، ص ۱۸۷؛ گزیده مقالات و اخبار روزنامه‌های مهم درباره خلیج فارس، پیوست‌ها.

جدول زیر صادرات قالی از طریق کرمانشاه به بغداد را نشان می‌دهد. این جدول براساس داده‌های آماری مندرج در گزارش کنسولی بغداد و کرمانشاه در فاصله سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۹۰۸ م (۱۳۰۴-۱۲۳۸ ق) تدوین شده است.^{۹۷}

جدول ۴: ارزش صادرات قالی به بغداد از طریق کرمانشاه (۱۹۰۴-۱۸۶۶ م / ۱۳۰۴-۱۲۳۸ ق)

میانگین سالانه	تومان	شاخص	لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۶۶-۷۰ / ۱۲۳۸-۸۷	۳۴۲۰۹	۱۰۰	۱۲۶۷۰	۱۰۰
۱۸۷۴-۸ / ۱۲۹۱-۹۵	۸۰۷۲۶	۲۳۶	۲۹۳۵۵	۲۳۲
۱۹۰۰-۳ / ۱۲۹۷-۱۳۰۰	۱۴۸۶۵۰	۴۳۴	۲۷۳۵۹	۲۱۶
۱۹۰۴-۷ / ۱۳۰۱-۱۳۰۴	۱۸۰۲۵۹	۵۲۷	۳۱۹۷۵	۲۵۲

تجزیه داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که حجم و ارزش صادرات فرش از این مسیر در دوره‌ای ۴۰ ساله از ۳۴۲۰۹ تومان به ۱۸۰۲۵۹ تومان یعنی حدود ۵ برابر افزایش یافته است. نمودار این جدول در زیر نمایش داده شده است.

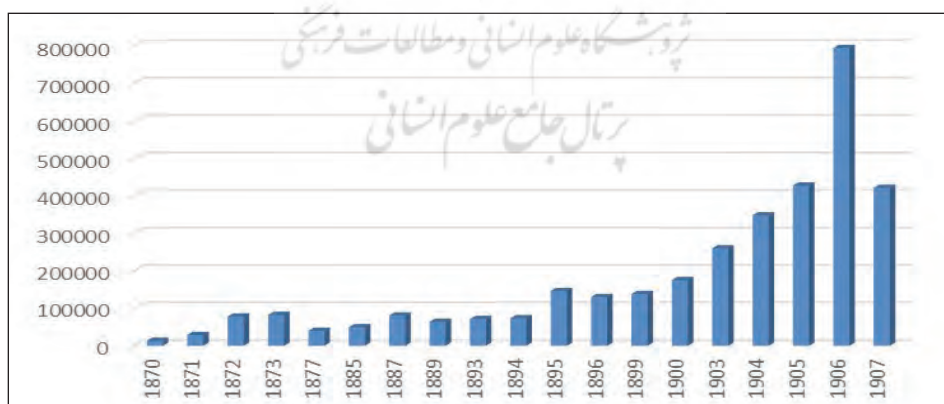


نمودار ۳: صادرات فرش از کرمانشاه به بغداد ۱۳۲۵ - ۱۲۸۴ ق / ۱۹۰۷ - ۱۸۶۶ م

جدول ۵: ارزش قالی‌های صادراتی از آذربایجان به اروپا و روسیه (۱۹۰۷-۱۸۷۰م / ۱۳۲۵-۱۲۸۷ق)

سال	به تومان	شاخص	به لیبره استرلینگ	شاخص	سال	به تومان	شاخص	به لیبره استرلینگ	شاخص
۱۸۷۰	۳۳۰۰۰	۱۰۰	۱۳۲۰۰۰	۱۰۰	۱۸۹۵	۷۳۰۰۰۰	۲۲۱۲	۱۴۶۰۰۰	۱۱۰۶
۱۸۷۱	۷۱۷۰۰	۲۱۷	۲۸۶۸۰	۲۱۷	۱۸۹۶	۶۵۰۰۰۰	۱۹۷۰	۱۳۰۰۰۰	۹۸۵
۱۸۷۲	۱۹۵۰۰۰	۵۹۱	۷۸۰۰۰	۵۹۱	۱۸۹۹	۶۹۰۵۱۵	۲۰۹۲	۱۳۸۱۰۳	۱۰۴۶
۱۸۷۳	۱۹۷۲۲۲	۵۹۸	۸۲۱۷۶	۵۹۸	۱۹۰۰	۸۷۶۲۲۱	۲۶۵۵	۱۷۵۲۴۴	۱۳۲۸
۱۸۷۷	۱۲۱۲۰۰	۳۶۷	۴۰۰۰۰	۳۰۳	۱۹۰۳	۱۴۲۹۵۳۸	۴۳۳۲	۲۵۹۹۱۶	۱۹۶۹
۱۸۸۵	۱۵۵۲۹۸	۴۷۱	۴۹۴۵۸	۳۷۵	۱۹۰۴	۲۰۶۹۶۰۰	۶۲۷۱	۳۴۷۸۳۲	۲۶۳۵
۱۸۸۷	۲۸۲۱۵۶	۸۵۵	۸۰۶۱۶	۶۱۱	۱۹۰۵	۲۱۳۶۳۰۵	۶۴۷۴	۴۲۷۲۶۱	۳۲۳۷
۱۸۸۹	۱۹۱۳۱۶	۵۸۰	۶۳۷۷۲	۴۸۳	۱۹۰۶	۳۹۷۱۳۳۰	۱۲۰۳۴	۷۹۴۲۶۶	۶۰۱۶
۱۸۹۳	۳۱۷۰۸۴	۹۶۱	۷۱۳۴۴	۵۴۰	۱۹۰۷	۲۱۰۵۵۱۰	۶۳۸۰	۴۲۱۱۰۲	۳۱۹۰
۱۸۹۴	۳۸۵۰۰۰	۱۱۶۷	۷۳۳۳۴	۵۵۶					

این جدول بر اساس داده‌های مندرج در گزارش کنسولی آذربایجان در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۹۰۹م تدوین شده و نشان می‌دهد که ارزش قالی‌های صادراتی از ایران در دوره مورد بررسی چشمگیر است.^{۹۸} نمودار این جدول به صورت زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۴: صادرات فرش از آذربایجان به اروپا و روسیه ۱۳۲۵-۱۲۸۷ق / ۱۹۰۷-۱۸۷۰م

تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات نشان می‌دهد که برای دو حوزه خراسان و تبریز روند رو به رشد با سرعت بالا و برای حوزه کرمانشاه، با وجود تغییرات و اقدامات انجام شده روند نوسانی داشته است. در خلیج فارس عوامل متعددی در رونق تجارت فرش دارای نقش بودند. شروع بی‌ثباتی در عراق و استقرار ناوگان دریایی انگلیس در خلیج فارس، باز شدن رودخانه کارون به روی ناوگان حمل و نقل و افتتاح جاده لینچ - بختیاری، تجارت از طریق بنادر خلیج فارس را رونق داد. از سویی با ورود کشتی‌های بخار به خلیج فارس و انتقال محموله‌ها به اروپا و نقاط دیگر سریع‌تر و مسافت‌ها کوتاه‌تر شده بود و با گسترش راه‌های آبی و تلاش برای ایجاد امنیت در خلیج فارس حجم تجارت ایران از مسیر خلیج فارس افزایش یافت، که بخش زیادی از این تجارت مربوط به صادرات فرش می‌شد. اگر چه جنگ روس و عثمانی در این افزایش هم بی‌تأثیر نبوده است. این رونق تجاری در نیمه دوم قرن ۱۹م باعث افزایش حجم صادرات از طریق خلیج فارس شد. بوشهر،^{۹۹} بندرعباس، لنگه و محمره (خرمشهر) در این دوره از بنادر عمده خلیج فارس بودند، که حجم گسترده‌ای از صادرات را به خود اختصاص داده بودند و دارای نقش مهمی در در تجارت خلیج فارس شدند.^{۱۰۰} در شکل‌گیری این تجارت و افزایش میزان آن عواملی دخیل بودند. علاوه بر تقاضای بازارهای اروپایی، انگلیس و هند نسبت به این کالای لوکس ایرانی، نزدیکی خلیج فارس به کانون‌ها و مراکز تولید فرش در پس‌کرانه‌های این منطقه نیز یکی دیگر از عوامل اصلی بوده است.

شهنواز میزان حجم صادرات فرش از بندر بوشهر را در دوره ده ساله ۱۳۰۵ - ۱۲۹۵ق/ ۱۸۸۸ - ۱۸۷۸م کم‌تر از ۱ درصد کل صادرات به ۶/۸ در پایان دوره ذکر کرده است، رشد ۶/۳ برابری که ارزش پولی آن از ۶۱۰۰۰ لیره به ۳۸۴۱۲۰ لیره رسیده است. صادرات فرش از بندر محمره و کارون در دوره ده ساله ۱۳۱۸ - ۱۳۰۸ق/ ۱۹۰۰ - ۱۸۹۰م از ۱۰/۱ درصد از کل صادرات تا ۴۲ درصد در نوسان بوده است.^{۱۰۱} بنابه گزارشی، قالی‌های پشمی و پنبه‌ای به سبب ارزان‌تر بودن نسبت به فرش‌های دیگر (ابریشمی، پنبه و پشم، پشم و ابریشم)، در سال ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷ق/ ۱۹۱۰ - ۱۹۰۹م، ۲۲۹۲۴ قران صادرات داشته و سال بعد از آن به ۱۵۵۵۱۰۷ قران ترقی نمود.^{۱۰۲} در ایالات جنوبی،

۹۹. درباره صادرات و تجارت خارجی از بندر بوشهر و عوامل تأثیرگذار بر آن، نک: بروگش، ص ۵۱۸ - ۵۱۷. در این اثر، مقدار کالایی که سالانه از بندر بوشهر صادر می‌شده در حدود دو میلیون و هشتصد هزار تالر (هر تالر معادل سه مارک) و کالایی که سالانه وارد بوشهر می‌شده حدود پنج میلیون تالر برآورد شده است. صادرات ایران را ابریشم خام، پشم، مواد رنگی، خرما، کشمش و اسب ذکر کرده است.

۱۰۰. لندور، ص ۲۵۰ - ۲۴۱.

101. Shahbaz Shahnavaz, *Britain and the Opening Up of South-West Persia 1880-1914* (2005), p.196.

۱۰۲. جمال‌زاده، ص ۲۱.

برای نمونه، در فارس هم تولید قالی افزایش یافت. به احتمال زیاد بخشی از قالی‌های صادراتی فارس به مصر و عدن و حتی از طریق بغداد به اروپا می‌رفته است. تعیین سهم هر یک، در صادرات فارس غیرممکن است.^{۱۰۳} جدول زیر، صادرات قالی در استان فارس را در سال‌های ۱۳۰۵ق/ ۱۸۸۷م تا ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۲م نشان می‌دهد.

جدول ۶: ارزش صادرات قالی از ایالت فارس (۱۹۰۲-۱۸۸۷م/ ۱۳۲۰-۱۳۰۵ق) ۱۰۴

شاخص	لیره استرلینگ	شاخص	تومان	میانگین سالانه
۱۰۰	۳۳۷۵۲	۱۰۰	۱۱۸۹۷۶	۱۸۸۷-۹۰ / ۱۳۰۵-۰۸
۱۱۸	۳۹۹۰۵	۱۳۷	۱۶۲۸۶۲	۱۸۹۱-۴ / ۱۳۰۹-۱۲
۱۷۶	۵۹۴۲۰	۲۶۸	۳۱۹۳۸۲	۱۸۹۵-۸ / ۱۳۱۳-۱۶
۳۲۸	۱۱۰۵۸۲	۵۰۰	۵۹۴۷۶۵	۱۸۹۹-۱۹۰۲ / ۱۳۱۷-۲۰

این داده‌ها نشان می‌دهند که ارزش صادرات فرش از نواحی جنوبی دارای روندی رو به رشد بوده است و این میزان برای دوره پانزده ساله به بیش از سه برابر افزایش یافته است. از ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م تا جنگ جهانی اول، افزایش قابل توجهی هم در تعداد دستگاه‌های بافندگی و هم در حجم صادرات فرش به وجود آمد، که حجم زیادی از این صادرات در گام نخست به هند، عثمانی و یا روسیه بود. بعد از آن حجم زیادی از این صادرات به اروپا و آمریکا بود.^{۱۰۵}

مراکز تولید فرش

چنانکه اشاره شد با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مراکز تولید فرش، کارگاه‌ها و در نتیجه آن دارهای قالی افزایش یافت و بر نواحی و مراکز تولید فرش افزوده شد. در نقشه زیر، پراکندگی جغرافیایی مراکز تولید فرش پیش از ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۵م (با علامت دایره) و پس از آن (با علامت مربع) و افزایش کارگاه‌های فرش‌بافی در نواحی مختلف ایران نشان داده شده است. در این نقشه، مراکز عمده و کارگاه‌های تولید پیش از ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۵م شامل هفت مرکز بوده است، که بعد از آن تاریخ، این مراکز به ۲۳ یعنی بیش از سه برابر رسید. پراکندگی جغرافیایی

۱۰۳. سیف، ۱۸۹-۱۸۸.

۱۰۴. همان، ۱۸۸: 103، 1992، Syef.

۱۰۵. سیف، ۱۹۰-۱۸۵.

این نواحی پیش از تاریخ مذکور، محدود به اراک، تبریز، سنندج، قائن، کاشان، کرمان و کرمانشاه می‌شد، که آباد، اردبیل، اصفهان، بیجار، تهران، ساروق^{۱۰۶}، شیراز، فراهان، قم، لیلیان^{۱۰۷}، مشهد، نائین، همدان، هریس، یزد به این مراکز عمده افزوده شدند.^{۱۰۸} از ویژگی‌های عمده صنعت فرش در ایران پراکندگی آن از لحاظ جغرافیایی در مناطق روستایی، شهری و در نواحی مختلف بود. شهرهایی که قبلاً در تولید منسوجات سنتی دارای اهمیت بودند، در دوره‌ای دچار کاهش و مجدداً در نیمه دوم قرن نوزدهم به عنوان مراکز تولید فرش دوباره احیاء شدند. همین پراکندگی، تنوع قالی‌ها را نیز افزایش داده بود. «در حدود ۲۵ تا ۳۰ نوع فرش مختلف در شهرهای ایران تولید می‌شد که هر کدام خصوصیات مشخصی داشتند.»^{۱۰۹}



نقشه شماره ۱: پراکندگی نواحی و مراکز تولید فرش، پیش و پس از ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۵م^{۱۱۰}

۱۰۶. روستایی در اراک.

۱۰۷. روستایی در اراک که ارمنه در آن‌جا سکونت داشتند و عمده فعالیت اقتصادی آنها فرش‌بافی بوده است.

۱۰۸. لندور، ص ۲۳۱-۲۲۹؛ Helfgot (2007), p. 237.

۱۰۹. بنجامین، ص ۳۸۵؛ لندور، ص ۲۲۹.

سلطان آباد (اراک امروزی)^{۱۱۱} یکی از این مراکز عمده و مرکز فعالیت شرکت‌ها و نخستین منطقه توسعه‌ی قالی صادراتی ایران بود. رونق این مرکز بنابه دلایلی از جمله، جایگاه سنتی آن در تولید فرش، جایگاه آن در مسیر بین تهران و بغداد از طریق همدان و کرمانشاه، و مکانی مناسب برای راه‌اندازی دستگاه‌های بافندگی و کارگاه‌های فرش بوده است. این مرکز دارای ۱۵۰ ده با ۵۰۰۰ دستگاه قالی و حدود ۱۰۰۰۰ کارگر بود که به کار تولید فرش اشتغال داشتند.^{۱۱۲} کرزن براساس قول یکی از تجار که در صادرات فرش منطقه فعالیت داشته گزارش نموده درآمد صادرات فرش از سلطان آباد حدود ۹۰ تا ۱۰۰ هزار لیبره بوده، که بیشتر به انگلیس، فرانسه و آمریکا صادر می‌شد.^{۱۱۳} چارلز عیسوی نیز آورده است که: «سلطان آباد از کانون‌های اصلی تولید فرش است، که فرش آن معروف و تعداد کارگاه‌های آن قریب ۱۲۰۰ می‌باشد.»^{۱۱۴} مدیر کمپانی زیگلر ادعا کرده وقتی که (در ۱۸۸۳م/ ۱۳۰۱ق.) به سلطان آباد آمده فقط ۴۰ کارگاه بافندگی در آن جا وجود داشته، اما ۲۰ سال بعد به حدود ۱۲۰۰ دستگاه رسیده و در دهات مختلف هم ۱۵۰۰ دستگاه یافت می‌شد. به ادعای وی، در مجموع در سرتاسر این ناحیه حدود ۳۰۰۰ کارگاه بافندگی کار می‌کردند و محصول سالانه تولیدات قالی آنها در حدود ۵۰۰۰،۰۰۰ قران بوده است.^{۱۱۵} سی. آر. پرسی کنسول بریتانیا در اصفهان به سرمایه خارجی در تولید فرش از سلطان آباد در مرکز ایران در ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۴م اشاره و عنوان می‌کند: «حدود ۲۰ سال پیش آقایان زیگلر از منچستر که نمایندگان در تبریز، تهران و اصفهان داشتند، به دنبال صادراتی جهت برگشت سرمایه‌شان و راهی برای خروج پول بودند، بنابراین دایره تجارت فرش را گسترش دادند.»^{۱۱۶} رایت (سفیر انگلیس در ایران، سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۱م) نیز با اشاره به اینکه شرکت زیگلر با استقرار در سلطان آباد، قلب یک منطقه مهم قالی‌بافی، و تشویق بافندگان به کنار گذاشتن طرح‌های قدیمی و رو آوردن به بافت قالی‌های مورد پسند اروپائیان، نقش بسیار مهمی را در احیای معروفیت دوباره فرش و صنعت قالی‌بافی در ایران ایفا کرد، نوشته است که این شرکت در سال ۱۹۰۰م. در حدود ۲۵۰۰ کارگاه قالی‌بافی در سلطان آباد و اطراف آن داشت

۱۱۱. درباره این شهر که به سال ۱۲۳۰ق در سلطنت فتح‌الملی‌شاه قاجار به عنوان مرکزی برای عراق عجم بنا شد و محلات و تأسیسات آن (از جمله ۵۰۰ باب دکان و ۲۰ باب کاروانسرا)، نک: محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، ضمیمه سفرنامه عراق عجم، ناصرالدین شاه قاجار، ج ۲، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: اطلاعات، ۱۳۹۳)، ص ۲۰۶-۲۰۳.

۱۱۲. عیسوی، ص ۴۷۱.

۱۱۳. کرزن، ص ۶۲۵.

۱۱۴. عیسوی، ص ۴۷۱.

۱۱۵. همان، ص ۴۷۴.

و یک مرکز کامل تجارتي با خانه‌های کارکنان و کارگاه‌های رنگرزي در آن شهر در اختيار داشت که به سبک کامل اروپايی بود.^{۱۱۷}

بنا به گزارش سفیر فرانسه، اقتصاد مردم سلطان‌آباد با جمعیتی ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر، به صنعت قالی‌بافی (و به تبع آن به تجارت پشم) وابسته بود که از نیمه دوم قرن نوزدهم به این طرف در عراق عجم شکوفایی خاصی پیدا کرده بود. پشم‌ها را از گلپایگان، همدان و کرمانشاه وارد می‌کردند.^{۱۱۸} در زمان این گزارش، «در آمار شهری، اسم ۳۳۰۰ قالی‌باف موجود بوده که در خود شهر و نقاط مختلف ایالت عراق [عجم] و مناطق کمره و همدان پخش بودند. در هر روستا نماینده‌ای از تجارتخانه، مسئول نظارت تعهداتی بود که اهالی روستا به عهده گرفته بودند.»^{۱۱۹} شرکت زیگلر بزرگ‌ترین خریدار و صادرکننده فرش‌های سلطان‌آباد بود که تقریباً در هر خانه این شهر یک دار قالی وجود داشت و آن را به مهم‌ترین مرکز تولید فرش صادراتی ایران تبدیل کرده بود.^{۱۲۰} آوازه تجارت و خرید و فروش قالی و قالیچه در سلطان‌آباد و اشتغال همه ساکنان آن به فرش‌بافی چنان در این دوره شهره بود که بروگش سفیر آلمان در ایران عهد ناصری در مسیر همدان به اصفهان، راه خود را به این شهر کج می‌کند تا هم امکانات تجارت فرش را مطالعه و هم مقداری فرش خرید نماید. هرچند وی به نادرستی این اطلاعات اشاره می‌کند که این شهر برخلاف شهرت، مرکز تجارت فرش نبوده است. با این حال ادعان دارد که در خانه‌های سلطان‌آباد، غالباً کارگاه‌های قالی‌بافی وجود داشت که زنان در آنها به بافتن قالی و قالیچه مشغول بودند. او تصویری از این کارگاه‌های قالی‌بافی را در کتاب خویش آورده است.^{۱۲۱} ناصرالدین‌شاه قاجار در سفر سال ۱۳۰۹ ق خود به عراق عجم، از سلطان‌آباد دیدن کرده و به تجار خیلی معتبر آن از آذربایجانی و خوانساری و غیره که همگی خانه‌های باشکوهی داشته‌اند، اشاره نموده است.^{۱۲۲} در روستاهای اطراف سلطان‌آباد هم قالی‌بافی از اهمیت وافری برخوردار بوده است. روستای اینجدان در شرق سلطان‌آباد با ۱۶۰۰ نفر جمعیت، ۲۵۰ دار قالی، کمی آن سوی تر روستای چناران با ۸۰ خانه، ۲۰ دار قالی‌بافی و روستای گویلی در جنوب

۱۱۷. رایت، ص ۱۵۲.

۱۱۸. اوپن، ص ۳۲۴. پشم کرمانشاه پشم گوسفند و معروف به پشم کردی بود و ۲۰۰۰ خروار برآورد آن بود. از این مقدار، سابق براین ۱۵۰۰ خروار از راه بغداد به انگلستان و مارسیل و آمریکا صادر می‌شد و باقی در داخله مصرف می‌گردید. اما بعد قسمت زیادی از آن به سلطان‌آباد برای بافتن قالی و قالیچه می‌رفت. نک: جمال‌زاده، ص ۳۳.

۱۱۹. اوپن، ص ۳۲۵.

۱۲۰. لندور، ص ۲۳۰.

۱۲۱. بروگش، ص ۳۳۵-۳۳۴.

۱۲۲. ناصرالدین‌شاه قاجار، ص ۵۸.

شهر، با جمعیت ۶۰ خانوار، ۲۵ دار قالی‌بافی داشتند.^{۱۲۳}

کرمان و یزد از دیگر مراکز عمده تولید فرش بوده است که در نیمه اول قرن نوزدهم بخشی از صادرات آن به فرش و پشم اختصاص داشت.^{۱۲۴} کاشان برای تولید ابریشم و فرش، یزد برای تولید فرش، نمد، پارچه‌های پنبه‌ای و شال‌های یزدی در صادرات شناخته شده بود و عمده کالای تولیدی کرمان برای صادرات، فرش و پشم و زعفران و تنباکو بوده است. بخش عمده‌ای از غلات، خشکیبار، زیره، تریاک، خضاب و فرش از طریق بنادر خلیج فارس به سواحل دریای سرخ صادر می‌شد^{۱۲۵} و حجم زیادی نیز از طریق بنادر جنوب به هند و انگلیس صادر می‌شد.^{۱۲۶}

در کرمان بعد از وقفه‌ای کوتاه، در اواخر دوره قاجار صنعت قالی‌بافی مجدداً رونق پیدا کرد و حدود ۲۵۰۰ دار قالی در کرمان و روستاهای اطراف مشغول به کار شدند. سیف، در آماری از کرمان، ۲۲۰۰ دار قالی‌بافی و ۲۲۰ دار بافندگی دیگر و برای روستاهای اطراف در حدود ۳۲۵ دار بافندگی شال، در مجموع کل دارهای بافندگی ۲۷۴۵، ذکر کرده است، به ارزش تقریبی ۵۰ هزار پوند و یکی از دلایل اصلی این رونق را اقدام محمدحسن خان سردار، فرماندار یزد و کرمان دانسته است که بازرگانان و مالکان را از واردات شال کشمیری منع و باعث رونق کارگاه‌های محلی و احیاء الگوهای جدید برای تولید شد.^{۱۲۷} منع واردات شال موجب رشد کارگاه‌های پشم‌ریسی و صنعت فرش (شامل قالی، شال، نمد و ...) شد.^{۱۲۸} از دیگر دلایل رشد و رونق صنعت فرش در کرمان، نقش بازرگانان تبریزی در تأسیس کارگاه‌های قالی‌بافی بوده است. این بازرگانان، فرش تولید شده در کرمان را خریداری و از طریق کرمان به تبریز و از آن‌جا به عثمانی و اروپا صادر می‌کردند.^{۱۲۹} حاج سیاح که در دوران حکومت ناصرالدین شاه به کرمان سفر کرده، شال و قالی و عبای کرمان را از

۱۲۳. سیف، ص ۱۴۳-۱۴۲.

۱۲۴. در اواخر زنده‌یه نیز از محصولات کرمان و یزد به پارچه‌های پشمی، ابریشمی و نخ، نمد و قالی اشاره شده است. نک: ویلیام فرانکلین، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶م*، ترجمه محسن جاویدان (تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۸)، ص ۴۵.

125. Gavin Hambly, "An Introduction to the Economic Organization of Early Qājār Iran," *Iran*, Vol. 2, (1964), p. 80-81. ۳۰۲-۳۰۳، ۲۷۳-۲۷۴، ر.ک: لندور، ص ۲۷۴-۲۷۳.

۱۲۶. ر.ک: سیف، ص ۱۹۰-۱۸۸.

127. A. Seyf, "Foreign Trade and The Economy of Iran in The Nineteenth Century", *Iran*, vol.34, (1996), p. 97-99, Gilbar (1979), p.199. ۱۷۸-۱۷۹، ۱۷۱، سیف، ص ۱۷۱-۱۷۸.

۱۲۸. در پرتو حمایت وی، «ترقی صنعت شال‌بافی در کرمان به حدی بود که طاقه‌ای به یکصد و پنجاه تومان تقویم می‌شد.»

نک: اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۱۲۸.

۱۲۹. محمد افروغ (به اهتمام)، *مجموعه مقالات هنر براساس فهرست ایرج افشار، فرش ایران (تهران: جمال هنر، ۱۳۹۲)*، ص ۱۱۱.

متاع‌های ممتاز عالم ذکر کرده و اشاره می‌کند که مردم کرمان اولاد خود را به شال‌بافی و فرش‌بافی می‌فرستند که در آینده با مهارت‌یابی بتوانند برای خود درآمدی کسب کنند.^{۱۳۰} هاکس نوشته است که «قالی، به‌ویژه محصول کرمان، موجب عزت و اعتبار ایران است. تمام شهر درگیر فعالیت‌های ریسندهی، رنگرزی و بافندگی قالی است.»^{۱۳۱} در گزارش ابوت و گیبونز در نیمه دوم قرن ۱۹م، در کرمان دارهای بافندگی شال ۲۲۰۰ عدد و دارهای قالی ۲۲۰ برآورد شده^{۱۳۲} و گلیدونیکومن در سال ۱۹۰۴م تعداد دارهای شال را ۳۰۰۰ عدد و دارهای قالی را ۱۰۰۰ عدد ذکر نموده است^{۱۳۳} که نشان می‌دهد در مدت نیم قرن تعداد دارهای قالی حدود ۵ برابر و ارزش قالی‌های تولید شده ۲۰ برابر افزایش یافته است اما دارهای شال کم‌تر از یک‌ونیم برابر افزایش داشته است.^{۱۳۴} سایکس در اواخر قرن ۱۹م نوشته است: «کرمان تا همین اواخر برای شال‌های اعلائی خود اشتهار تامی داشت ولی امروز صنعت قالی‌بافی گوی سبقت را از صنعت مزبور ربوده است. هیچ متاعی با قالی کرمانی که از پشم یا ابریشم بافته می‌شود و از لحاظ نفاست و ظرافت و رنگ‌آمیزی فوق‌العاده اعلا و ممتاز است، نمی‌تواند رقابت کند و این صنعت به‌طور قطع از نفیس‌ترین صنایع ظریفه‌ای است که در دنیا به‌وجود آمده و بدون اغراق یک قطعه قالی کرمانی هر قسم قالی دیگری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.»^{۱۳۵} به گزارش وی در خود کرمان حدود ۱۰۰۰ دستگاه قالی‌بافی دایر بوده و به‌طور تخمین سالی دویست هزار تومان (معادل ۴۰۰۰۰ پوند) قالی در این شهر بافته می‌شد. سایکس ادعا کرده که او به‌واسطه پیشنهاد طرح‌های قدیمی به قالی‌باف‌ها و نیز بازاریابی جدید برای فروش قالی، خدمات شایانی به صنعت قالی‌بافی نموده است.^{۱۳۶} کاشان در این دوره مجدداً رونق یافت و صنعت فرش آن احیاء شد. فارس نیز از دیگر کانون‌های اصلی تولید فرش بوده است، زیرا از مناطق اصلی

۱۳۰. محمدعلی سیاح، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، ج ۳، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار (تهران:

امیرکبیر، ۱۳۵۹)، ص ۱۶۷-۱۶۴.

۱۳۱. مریت هاکس، *ایران: افسانه و واقعیت*، مترجمان: گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی (مشهد: آستان قدس رضوی،

۱۳۶۸)، ص ۷۸.

۱۳۲. سیف، ص ۱۷۱، ۱۷۸.

۱۳۳. همان، ص ۱۷۸.

۱۳۴. همان، ص ۱۷۹.

۱۳۵. سر پرسایکس، *سفرنامه ژنرال سر پرسایکس یا ده‌هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، (تهران: لوحه،

۱۳۶۳)، ص ۲۳۳.

۱۳۶. همان، ص ۲۳۳، ۲۳۴.

ایلات و عشایر یعنی تولیدکنندگان اصلی پشم، ماده خام فرش بود.^{۱۳۷}

یکی از عوامل توسعه صنعت فرش در شهرهای خاص، مجاورت این شهرها با مناطق ایلیاتی تولیدکننده پشم بود و تولید فرش دستباف در این نواحی به سبب رشد تقاضای بازار بود. بعد از ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۵م تولید فرش در شهرها و روستاهای تبریز، کاشان و کرمان افزایش یافت.^{۱۳۸} کرزن علاوه بر مراکز ذکر شده، بیرجند با فرش‌های ریزباف، سرخس با فرش‌های ترکمن لاکی سیر، قره‌داغ آذربایجان و کردستان را از دیگر مراکز عمده فرش‌بافی ذکر کرده است.^{۱۳۹} عشایر و روستائیان مازندران و استرآباد قالی و گلیم تولیدی خود را به شهرها می‌فروخته‌اند. در ملایر و بروجرد نیز بافت قالی برای صادرات رواج داشته. فرش‌های بافت هرات (افغانستان) هم مشهور و اغلب به اروپا صادر می‌شد. فرش‌هایی که به وسیله عشایر کوچ‌رو جنوب شرق و جنوب غرب بافته می‌شدند نیز زیبا و جذاب بودند. در شمال ایران فرش ترکمن بافته می‌شد که با سلیقه اروپائیان بسیار سازگار بود و بیشتر به روسیه صادر می‌شد.^{۱۴۰} در زمان گزارش اوین (سال‌های ۷-۱۹۰۶م.) حدود یکصد کارخانه بزرگ و کوچک و در حدود ۱۲۰۰ دستگاه قالی‌بافی در تبریز وجود داشت. پراکندگی استقرار آنها نیز در شهر و در ۲۸ بخش عمده این ایالت متمرکز بود (که مهم‌ترین آن هریس در قراباغ بود). چهار کارخانه از این کارخانه‌ها بسیار معروف بودند.^{۱۴۱}

مهم‌ترین انواع فرش‌های ایران عبارت بودند از: فراهانی، کرمانشاهی، کرمانی، شیرازی، خراسانی، کردستانی و ترکمنی. فرش‌های ترکمنی بیشتر به صورت قالیچه بودند، با دوامی بی‌نظیر، ریزباف شبیه مخمل و رنگ‌های تند و تیره که با تابلوهای هلندی شبیه بود. فرش‌های کردستان با بافت «باز» که هر دو طرف آن شبیه یکدیگر بود با رنگ‌های روشن و متضاد و درخششی شبیه فرش‌های ابریشمی. فرش‌های نواحی جنوبی، قطور با بافت درشت. فرش‌هایی که در زمینه آن پشم شتر به کار رفته بود و به رنگ قهوه‌ای کم‌رنگ درمی‌آمد زیبایی خاصی پیدا می‌کرد.^{۱۴۲} فرش‌های فارس (شیرازی) «باریک، نرم و مخملین» بود.^{۱۴۳} لندور، فرش ایران را به سه نوع دسته‌بندی کرده

۱۳۷. منصور وزری، هنر و صنعت قالی در ایران (تهران: رز، ۱۳۵۰)، ص ۸۵.

138. Helfgott, (1990), p. 176.

۱۳۹. کرزن، ص ۶۲۴-۶۲۳.

۱۴۰. لندور، ص ۱۴۷، ۱۴۹، ۲۳۰، ۲۳۱.

۱۴۱. اوین، ص ۷۱.

۱۴۲. بنجامین، ص ۳۸۸-۳۸۷.

۱۴۳. لندور، ص ۲۳۰.

است: ۱. لمسویه^{۱۴۴} گران‌ترین و نایاب‌ترین فرش که با نخ ابریشم بافته می‌شد؛ ۲. موجوده^{۱۴۵} نوع ارزان‌تر؛ ۳. گلیم که با نخ پنبه‌ای و پشم و طراحی هنرمندانه بافته می‌شد. در اروپا و آمریکا تقاضای زیادی برای دو نوع فرش اول و دوم وجود داشت.^{۱۴۶}

فرش‌های ابریشمی در این دوره از نظر تعداد کم اما قیمت آنها بسیار گران بود. اندازه این نوع فرش‌ها معمولاً کوچک و به شکل قالیچه و بیشتر برای تزئین و آویزان کردن به دیوار اتاق به کار می‌رفت تا به منظور فرش کردن اتاق. نمونه‌ای از این فرش ابریشمی نفیس را بنجامین در کاخ شاهی در تالار آینه جلوی تخت طاووس دیده که در آن مروارید هم به کار رفته بوده و ارزش زیادی داشته است.^{۱۴۷} غیر از قالی و قالیچه، در صنعت فرش ایران محصولات دیگری چون نم، گلیم، شال (در کرمان و مشهد)، پتو (در کرمان)، برک (از کرک لطیف شتر، در کرمان و خراسان)، پالتو (از موی شتر، در اصفهان و کرمان)، کلاه، جوراب‌های پشمی (نوع مرغوب در شیراز و خوی)، جل اسب و ... تولید می‌شد که برخی از آنها بیشتر جنبه مصرف داخلی داشت.^{۱۴۸}

نکته قابل ذکر اینکه، رشد صادرات فرش منجر به افزایش تولید، اشتغال و تا حدودی افزایش سطح زندگی شد. تعداد افراد شاغل در صنعت فرش ایران در ۱۲۷۸ق/ ۱۸۶۰م از ۱۰۰۰ نفر به ۶۵۰۰۰ نفر در ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م یعنی حدود ۶۵ برابر افزایش یافت. بنابه یک برآورد، در سال ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰م تعداد ۶۵ هزار کارگر در صنایع فرش کار می‌کرده‌اند و هیچ‌یک از تولیدات صنعتی یا پیشه‌وری از این لحاظ به پای صنعت قالی نمی‌رسیده است.^{۱۴۹} جان فوران مجموع تعداد کارگران ایرانی شاغل را در سال ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م بدین صورت ذکر کرده است: ۱۰۸۵۰ نفر در بخش صنایع جدید، ۱۲۷۰۰ در بخش خدمات و ۱۱۸۹۰۰ در بخش صنایع سنتی، که از این تعداد ۶۵۰۰۰ نفر در بخش قالی‌بافی فعالیت داشتند.^{۱۵۰} تجزیه و تحلیل آمار و ارقام نشان می‌دهد که حدود ۷/۶ درصد نیروی کار در بخش صنایع جدید، ۸/۹ در بخش خدمات و حدود ۸۳/۵ درصد در صنایع سنتی اشتغال داشتند. بخش صنایع سنتی که حدود ۱۱۸۹۰۰ نفر اشتغال داشت، در حدود ۵۴/۶ نیروی کار آن در صنعت فرش مشغول بوده است. در توصیف او بن از کارخانه‌های قالی‌بافی تبریز اشاره شده

144. Lamsavieh

145. Mojodeh

۱۴۶. لندور، ص ۱۲۶.

۱۴۷. بنجامین، ص ۳۹۰.

۱۴۸. پولاک، ص ۳۸۱-۳۷۹؛ بنجامین، ص ۳۸۷-۳۸۹.

۱۴۹. فوران، ص ۲۰۰-۱۹۹.

۱۵۰. همان، ص ۲۰۲.

که جمعاً ده هزار نفر از این راه معاش خود را تأمین می‌کردند. در یکی از کارخانه‌های معروف آن، ششصد کارگر بر روی پنجاه دستگاه قالی‌بافی مشغول به کار بوده‌اند.^{۱۵۱} در گزارش ابوت، در کرمان ۴۵۰۰ تن از کودکان بین ۶ تا ۸ ساله درگیر تولید قالی و شال بودند.^{۱۵۲} در فهرستی که تامسن^{۱۵۳} کنسول انگلیس در ۱۸۷۰م از تعداد صنعتگران تهران و شغل‌های آنان به‌دست داده، در میان ۲۷ شغلی که بررسی کرده، فرش‌بافان ۵۰۱ نفر (۸۶ استاد یا کارگر ماهر و ۴۱۵ شاگرد) بوده، که بعد از خیاط (۸۵۰ نفر) و کفاش (۶۷۰ نفر)، در رده سوم قرار داشته‌اند.^{۱۵۴}

نقشه و طرح‌های فرش

نقشه و طرح‌های فرش ایرانی از زندگی و محیط مردمان نواحی مختلف کشور الگو گرفته و به تدریج به سوی تکامل گام نهاده است. این الگوبرداری در نواحی مختلف و مراکز تولید فرش و قالی مختلف بوده است. به عنوان مثال در خراسان فرش نرم با قابلیت بسته‌بندی و دارای رنگ‌های تیره و خطوط هندسی، در مشهد اغلب ریزباف و مقاوم دارای لچک و ترنج و در بیرجند از طرح‌های بته جقه، لچک ترنج و ریزه ماهی استفاده می‌شد. در سایر نواحی در بیجار نقوش ماهی درهم، لچک ترنج، گل فرنگ، گل سرخ و در سنندج نقوش ماهی درهم، جقه چارکی، بید مجنون، گل و بلبل و در همدان طرح‌های ماهی درهم استفاده می‌شد. نقوش و طرح فرش‌های فارس اکثراً بته‌ای، ماهی درهم، گیاهی و افشان بوده است.^{۱۵۵} با توصیفی که لندور (حضور در ایران سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲م) به‌دست داده، روی قالی‌های کرمان طرح حیوانات، گیاهان و طرح‌های هندسی زیبا به کار می‌رفت و طرح‌ها ظریف بافته می‌شد. زشت‌ترین فرش‌ها که مشتری کمی هم داشت فرش‌هایی بود که تصاویر بزرگ و نامتوازن در آنها بافته می‌شد. طرح فرش‌های فارس بیشتر هندسی و فرش ترکمن با طراحی آرام، فرش گرم و نرم بود. و در فرش‌های کرمان، نفوذ فرهنگ غربی به‌وضوح دیده می‌شد،^{۱۵۶} اما برادرزاده علاءالملک استاندار وقت کرمان (در سلطنت مظفرالدین شاه، سال ۱۳۱۹ق / ۱۹۰۱م) اصرار داشت «فرش‌هایی با طرح‌های قدیمی بدون تأثیرپذیری از نفوذ خارجیان

۱۵۱. اوپن، ص ۷۱.

۱۵۲. سیف، ص ۱۴۹.

153. Thomson

۱۵۴. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۳۸.

۱۵۵. حشمتی رضوی، ص ۱۱۸-۱۱۶، ۱۲۶-۱۲۴، ۱۳۳-۱۳۱.

۱۵۶. لندور، ص ۲۳۰، ۲۳۱.

تولید کند.»^{۱۵۷} از این رو «فرش‌های تولیدی علاءالملک با رنگ‌های طبیعی و عالی تولید می‌شد. دارهای قالی زیادی در ساختمان نزدیک کاخ حکومتی وی برپا شده بود و صدها نفر در کارگاه‌های قالی‌بافی حاکم مشغول کار بودند.»^{۱۵۸} به گزارش سایکس، طرح و گرده نقوش قالی‌های کرمان نمونه طراحی‌های قدیم پیش از ظهور اسلام بود ولی گل و بوته‌کاری و رنگ‌آمیزی‌های بسیار ممتاز آن کاملاً تحسین‌برانگیز بود. در این قالی‌ها در هر ۳۹ اینچ، ششصد و چهل جفت بافته می‌شد که این طرز بافت در بازارهای اروپا بسیار ظریف و مطلوب بود.^{۱۵۹} به‌طور کلی در دوره مورد پژوهش، در قالی و فرش‌های ایرانی بیشتر از نقشه‌ها و طرح‌های گل و گیاه، پرندگان، حیوانات جنگلی، مرغ ماهی‌خوار، طوطی، طاووس، گل‌دان گل، تصاویر هندسی، اساطیری، افشان دسته‌گلی، لچک ترنج، تصاویر بزرگان و اساطیر استفاده می‌شد.^{۱۶۰} در قالی ایران انواع گل‌ها، درختان، حیوانات و پرندگان به صورت طراحی شده و با اشکال مختلف هندسی - لوزی، دوزنقه و هشت گوشه و یا طراحی ترنجی به کار رفته‌اند.^{۱۶۱} نگاره بته‌جقه در دوره قاجار در نقش فرش به شدت رواج و گسترش پیدا کرد. فرش‌های تصویری با مضامین شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و داستان‌های اساطیری، طرح‌های بته‌جقه‌ای و طرح گل‌دانی از شهرت خاصی برخوردار بوده است.

در یکی از کارخانه‌های بزرگ قالی‌بافی تبریز، «دو طراح و رسام فرش، از روی انتشارات موزه بازرگانی وین طرح‌های قدیمی را برای بافت مجدد تهیه می‌کردند.»^{۱۶۲} کارگران که عده آنها برای بافتن یک قالی بزرگ تا ۱۵ نفر می‌رسید از روی نقشه‌هایی که بالای هر دستگاه نصب بود به بافت قالی می‌پرداختند. اندازه قالی‌ها معمولاً ۶ در ۳ متر بود، هر چند این اندازه همراه با نقشه و رنگ طبق سلیقه مشتری، گاه تغییر می‌کرد.^{۱۶۳} اندازه معمولی قالی‌های کرمانی ۷ در ۴ پا و ۶ اینچ بود. روی هر دستگاه دار قالی، یک استاد و دو تا سه کودک کارگر از روی نقشه‌ای که برای آنها خوانده می‌شد، کار می‌کردند و گاهی زنان و دختران نیز در دستگاه‌های قالی‌بافی کار می‌کردند.^{۱۶۴}

۱۵۷. لندور، ص ۲۳۰.

۱۵۸. همان، ص ۳۰۲؛ نیز، سایکس، ص ۲۳۳.

۱۵۹. سایکس، ص ۲۳۳.

۱۶۰. حسین یآوری؛ مهدیه اکبری و علی اصغر شیرازی، بررسی فرش‌های دوره صفویه و قاجاریه در موزه آستان قدس رضوی

(تهران: سایه‌بان هنر، ۱۳۹۳)، ص ۲۸۰ - ۱۷۰.

۱۶۱. افروغ، ص ۶۹.

۱۶۲. اوین، ص ۷۱.

۱۶۳. همان.

۱۶۴. سایکس، ص ۲۳۳. واحد مقیاس کرمان برای قالی ذرع بود. ذرع کرمان معادل ۳۹ در ۱۹/۵ اینچ بود.

در شعبه سلطان آباد (اراک) شرکت زیگلر که هزاران نفر مشغول بافت فرش روی دار قالی بودند، نیز کارگاه‌های رنگ‌رزی پشم‌ها، هشتاد کارگر را به کار گرفته بود. پشم مورد نیاز و پول دستمزد کارگران پیشاپیش تأمین و در اختیار بافنده‌ها قرار می‌گرفت. کارگر قالی‌باف نقشه را از صاحب کار می‌گرفت و طرح و رنگ آن بنا به ذوق و سلیقه مشتری تغییر می‌کرد. آن‌گاه در کارگاه‌های قالی‌بافی به کمک زنان و بچه‌های خانواده کار بافت قالی آغاز می‌شد. کودکان اغلب ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار می‌کردند و ماهی سه تا هفت قران اجرت می‌گرفتند. اجرت سرکارگران از ده تا سی قران بود.^{۱۶۵} طرح‌های مطلوب از بین طرح‌های قدیمی و بومی انتخاب می‌شد و طراحی‌های جدید براساس آن شکل می‌گرفت. پشم و نخ را با رنگ‌های طبیعی که از گیاهان گرفته می‌شد فرآورش می‌کردند و رنگ شیمیایی و صنعتی در آن به کار نمی‌بردند. زیرا رنگ طبیعی و گیاهی در گذر زمان لطیف و جاقافتاده می‌شد و از بین نمی‌رفت.^{۱۶۶}

در این دوره رنگ‌های مورد استفاده بیشتر طبیعی (گیاهی) و با شروع کارخانه‌های خارجی رنگ‌های شیمیایی استفاده می‌شد. رنگ‌های طبیعی بیشتر از برگ و ریشه گیاهان و محصولات مختلف داخلی مانند پوست انار خشک، ماده جفت، پوست گردو، روناس، مازو، زاج سیاه و کات کبود، استات آهن، کافیشه^{۱۶۷}، نیل، حنا، زعفران، زردچوبه، برگ سماق، گیاه عصفَر یا قرطم و قرمز دانه، تهیه می‌شد. مقداری را نیز از هندوستان وارد می‌کردند. قرمز دانه از طریق اروپا وارد می‌شد اما به جای آن اغلب کرم قرمز را که از دامنه‌های آارات به دست می‌آمد به کار می‌بردند. زنان عشایر و چادر نشین طبق دستورها و تجربه‌های سنتی و قدیمی به تهیه رنگ می‌پرداختند. به عنوان اسید، جوهر آبلیمو و اسید سولفوریک (عرق گوگرد) به کار می‌بردند که به زحمت زیاد از سوزاندن گوگرد به دست می‌آمد و قلیای آنان، پیشاب گاو بود.^{۱۶۸} رنگ قرمز و لاک‌ی جزء مهم‌ترین رنگ‌های فرش

۱۶۵. اوین، ص ۷۱، ۳۲۵؛ لندور، ص ۱۲۵، ۲۲۹؛ بنجامین، ص ۳۸۶.

۱۶۶. لندور، ص ۱۲۵، ۲۲۹.

۱۶۷. کافیشه، کاجیره، کازیره: گیاهی از تیره مرکبان دارای برگ‌های نرم و دندانه‌دار. از گلبرگ‌های آن ماده‌ای به رنگ زرد زیبا و محلول در آب و ماده دیگری به رنگ قرمز به نام کارتامین محلول در آب به دست می‌آید. ماده رنگی که از گلبرگ‌های این گیاه استخراج می‌شود به نام زردج و ماءالعصفور مشهور است.

۱۶۸. پولاک، ص ۳۸۳؛ چینی، ص ۱۱۱-۱۱۰؛ احمدیوسف حسن و دانالد ر. هیل، تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ترجمه ناصر موقیان (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۲۳۶-۲۳۳. فهرستی از مواد رنگینی که ایرانیان در رنگ‌رزی استفاده می‌کردند شامل: گل سرخ، روناس، بقم سرخ که از اروپا می‌آوردند، بقم ژاپن، نیل هندی، چند گونه صمغ، پوست درختان، پوست میوه نظیر پوست روی گردو، پوست انار، عصاره لیمو و لاجورد، در سفرنامه شاردن آمده است. (ج ۲، ص ۸۹۱-۸۹۰)

ایرانی است، که کاربرد آنها از روناس و قرمز دانه بیشتر بوده است.^{۱۶۹} رنگ‌های قرمز فضایی زنده و مجلل به وجود می‌آوردند. در فرش‌های کردستان از رنگ‌های روشن، در فرش بیرجند از رنگ قهوه‌ای، در فرش ترکمن از رنگ قرمز تیره و در گلیم‌های بلوچ رنگ‌های تند و زیاد با رنگ‌آمیزی گاه نامرتب و نامنظم، استفاده می‌شد. در فرش‌های شیراز و فارس غالب‌ترین رنگ قرمز، آبی و سفید بود.^{۱۷۰} قالی بیرجند به خاطر نرمی و ظرافت مواد و لطافت رنگ‌ها شهرت داشت اما طراحی زیبا و جذاب نداشت. با این وجود رنگشان پر دوام بود. بادوام‌ترین و جذاب‌ترین فرش‌های منطقه بیرجند با کرک و پشم شتر بافته می‌شد با نقشه‌ای شامل یک ترنج بزرگ در وسط. اما باب طبع اروپائیان نبود. قالی‌های بیرجندی اغلب در روستاهای آن بافته می‌شد.^{۱۷۱}

رنگ‌های طبیعی بیش از رنگ‌های اروپایی در برابر آفتاب مقاومت داشت و موجب می‌شد که رنگ قالی از دوام و ثبات بیشتری برخوردار شود. تمام شهرهای بزرگ که در آنها کارخانه‌های بافندگی وجود داشت از خود دارای رنگرزی یا صبغی بودند و هر رنگرزی به تهیه یک رنگ معین می‌پرداخت.^{۱۷۲} از نظر پولاک، دوام و ریزبافی فرش‌های ایران باعث امتیاز آنها شده نه رنگ‌های زنده و جاندار آن. وی دوام این فرش‌ها را حیرت‌انگیز دانسته است.^{۱۷۳} برای تثبیت بسیاری از رنگ‌ها روی الیاف پارچه از سولفات آلومینیوم یا زاج استفاده می‌کردند که آن را زاج یمنی می‌نامیدند و زاج خالص همواره یکی از عناصر مهم فرایند رنگرزی بود.^{۱۷۴} با ورود رنگ‌های مصنوعی و آنیلینی به کشور به سبب ساده بودن تهیه آن، فرش بافان مدتی به آن روی آوردند که در نتیجه از مرغوبیت فرش ایرانی کاسته شد و صنعت فرش مورد تهدید قرار گرفت، اما با منع ورود آنیلین به کشور توسط دولت این خطر برطرف شد.^{۱۷۵} تقاضاهای تجاری در رو آوردن تولیدکنندگان فرش به رنگ‌های شیمیایی آنیلین به جای رنگ‌های طبیعی مؤثر بود. این تمایل موجب کم دقتی در طرح و بی‌ثباتی رنگ فرش می‌شد و جنبه‌های هنری آن را کاهش می‌داد، با این حال فرش ایران توانست موقعیت ممتاز خود را حفظ نماید.^{۱۷۶} پولاک طبیب ناصرالدین شاه در بررسی خود از ایران، بهترین

۱۶۹. افروغ، ص ۶۷.

۱۷۰. لندور، ص ۲۳۱ - ۲۳۰.

۱۷۱. همان، ص ۳۷۱.

۱۷۲. پولاک، ص ۳۸۳.

۱۷۳. همان، ص ۳۸۰.

۱۷۴. حسن و هیل، ص ۲۳۶.

۱۷۵. بنجامین، ص ۳۸۶.

۱۷۶. لندور، ص ۲۲۹.

فرش‌ها را بافت فرهان نزدیک کرمانشاه و فرش‌های درجه دوم با قیمت ارزان را تولید چادرنشینان کردستان، همدان و میانه، ذکر کرده است. وی معتقد است فرش‌هایی که در دوره صفویه بافته شده بر فرش‌های امروزی (دوره قاجار) از نظر شکوه و جلال طراحی و زنده بودن رنگ‌ها بسیار برتری دارد.^{۱۷۷} اما لندور (که سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲ م. از ایران دیدار داشته)، فرش کرمان را اصیل و جذاب و زیباترین فرش ایران یاد کرده که از نظر رنگ، طرح و نرمی سرآمد بقیه فرش‌ها بوده است. چرا که گوسفندان کرمان پشمی نرم و ابریشمین داشتند. به‌زعم وی، فرش ابریشم اصفهان با همه زیبایی اما از نظر طرح و رنگ به پای فرش کرمان نمی‌رسید. رنگ‌هایی که در کرمان وجود داشت بهترین انعکاس را در فرش به‌وجود می‌آورد.^{۱۷۸} در گزارش سیاحان اروپایی فرآیند بافت فرش و وضعیت کارگاه‌ها شرح داده شده که می‌توان آگاهی‌های لازم را در این باره به‌دست آورد.^{۱۷۹}

نتیجه‌گیری

ادغام ایران در شبکه جهانی تجارت که از دوره صفویه شروع شده بود، در دوره قاجاریه شتاب بیشتری پیدا کرد و تجارت خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این دوره در صادرات و واردات ایران، میزان حجم کالاها و راه‌های تجاری و بازرگانی نیز تغییراتی به‌وجود آمد. به‌واسطه جنگ‌های ایران و روس، بخشی از سرزمین حاصلخیز ایران (در قفقاز و آسیای مرکزی و حاشیه دریای مازندران) و کانون تولید ابریشم، پنبه و محصولات کشاورزی از دست رفت. رقابت روس و انگلیس در ایران شدت بیشتر پیدا کرد و مجموعه‌ای از امتیازات، معاهدات تجاری و بازرگانی را به ایران تحمیل و باعث تأثیرگذاری در صادرات و واردات ایران شد. حجم زیادی از منسوجات صنعتی به بازار ایران وارد و صادرات ابریشم و پارچه‌های ابریشمی را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه بیماری کرم ابریشم و از دست رفتن مراکز اصلی تولید ابریشم در حاشیه دریای مازندران هم در این کاهش بی‌تأثیر نبود. کاهش صادرات ابریشم باعث افزایش خروج صادرات طلا و نقره از ایران به‌ویژه به هند شد و تراز بازرگانی ایران را منفی ساخت. دولت برای افزایش صادرات و جلوگیری از تورم، صادرات پنبه و محصولات کشاورزی را در اولویت قرار داد. با ورود به نیمه دوم قرن نوزدهم در میان صادرات ایران فرش جایگاه مهمی پیدا کرد و به کالای راهبردی تبدیل شد. طرح، رنگ، زیبایی و

۱۷۷. پولاک، ص ۳۸۰.

۱۷۸. لندور، ص ۲۳۰-۲۲۹.

۱۷۹. همان، ص ۲۲۹-۲۲۸، ۲۶۲؛ اوبن، ص ۷۱.

دوام فرش ایرانی به معیاری برای جذب مشتریان اروپایی تبدیل شد و به زودی شرکت‌های اروپایی را به سرمایه‌گذاری در ایران واداشت. نتیجه این سرمایه‌گذاری، افزایش کارگاه‌های فرش‌بافی و افزایش تولید و صادرات فرش بود.

در مجموع، کاهش حجم ابریشم در صادرات، بنا به دلایلی که در مقاله ذکر شد، و ورود منسوجات خارجی، تلاش جهت عدم خروج مسکوکات طلا و نقره از کشور در نتیجه مبادلات تجاری، و افزایش تقاضا در اروپا و آمریکا برای فرش ایرانی سبب توسعه فرش‌بافی در کشور و افزایش حجم صادرات فرش در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شد. این افزایش در رشد درآمد‌های ارزی و بهبود تراز بازرگانی و حجم صادرات ایران نیز دارای نقش اساسی بوده است.

کتاب‌نامه

- آوری، پیتر (و دیگران). *تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی، ۱۳۸۷.
- اتحادیه، منصوره و رسول پروان. «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه (با تکیه بر بازار بین‌المللی فرش دستباف)». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. س ۲. ش ۵. پاییز ۱۳۸۹. ص ۳۶-۱.
- اشرف، احمد. *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه*. تهران: زمینه، ۱۳۵۹.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *المآثر والآثار*. ج ۱. به کوشش ایرج افشار. بی‌جا: اساطیر، ۱۳۶۳.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم ضمیمه سفرنامه عراق عجم*. ناصرالدین شاه قاجار. ج ۲. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۳.
- افروغ، محمد (به اهتمام). *مجموعه مقالات هنر براساس فهرست ایرج افشار، فرش ایران*. تهران: جمال هنر، ۱۳۹۲.
- انتنر، مروین ل. *روابط بازرگانی روس و ایران (۱۹۱۴-۱۸۲۸)*. ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات افشار، ۱۳۶۹.
- انصاری، قاسم و قنبرعلی کرمانی. *تجارت در دوره قاجاریه*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- اوبن، اوژن. *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. بی‌جا: زوار، ۱۳۶۲.
- اولتاریوس، آدام. *سفرنامه آدام اولتاریوس*. ج ۲. ترجمه محمدحسین کردبچه. بی‌جا: شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹.
- اولیویه. *سفرنامه*. ترجمه محمدطاهر میرزا. تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
- بروگش، هینریش. *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ج ۳. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹.
- بنجامین، اس. جی. *دبلیو. ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*. ج ۳. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴.

- به آذین، م. ا. قالی ایران. تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۴.
- پولاک، یاکوب ادوارد. سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان». ج ۲. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- جمال‌زاده، محمدعلی. گنج شایگان. تهران: سخن، ۱۳۶۲.
- چینی، حبیب. قالی‌بافی در ایران. تهران: وزارت اقتصاد، ۱۳۴۵.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله. تاریخ فرش، سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران. ج ۱. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- حسن، احمدیوسف و دانالد ر. هیل. تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- حسن، زکی محمد. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. ترجمه محمدعلی خلیلی. تهران: اقبال، ۱۳۶۶.
- دیماند، موریس اسون. راهنمای صنایع اسلامی. ج ۳. ترجمه عبدالله فریار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- رایت، دنیس. نقش انگلیس در ایران. ترجمه فرامرز فرامرز. تهران: فرخی، ۱۳۶۱.
- سایکس، سر پرس. سفرنامه ژنرال سر پرس سلیکس یا ده‌هزار میل در ایران. ترجمه حسین سعادت‌نوری. تهران: لوحه، ۱۳۶۳.
- سیاح، محمدعلی. خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. ج ۳. به کوشش حمید سیاح. تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- سیف، احمد. اقتصاد ایران در قرن نوزده. تهران: چشمه، ۱۳۷۳.
- شاردن. سفرنامه شوالیه شاردن. ج ۲. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس، ۱۳۷۴.
- شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار. ج ۷. تهران: مدبر، ۱۳۷۵.
- عبدالله‌یف. «روستائیان ایران در اواخر دوران قاجاریه». ترجمه مارینا کاظم‌زاده. در: مسائل ارضی و دهقانی (مجموعه مقالات). تهران: آگاه، ۱۳۶۱.
- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره، ۱۳۶۲.
- فرانکلین، ویلیام. مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶ م. ترجمه محسن جاویدان. تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ۱۳۵۸.
- فلور، ویلم. جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. ج ۲. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۶۵.
- فوران، جان. مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ج ۱۴. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا، ۱۳۷۷.
- کرزن، جرج. ن. ایران و قضیه ایران. ج ۲. ج ۴. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- کریمیان، حسن و عبدالکریم عطارزاده. «نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران». مطالعات تاریخ اسلام. س ۳. ش ۱۱. زمستان ۱۳۹۰. ص ۹۹-۱۲۰.
- کونل، ارنست. هنر اسلامی. ج ۳. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: توس، ۱۳۶۸.

- گزیده مقالات و اخبار روزنامه‌های مهم درباره خلیج فارس ۱۳۲۰-۱۲۵۳ ه.ش. مقدمه حسن حبیبی. تدوین امیر هوشنگ انوری. تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷.
- لندور، آرنولد هنری ساویج. اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت «در سرزمین آرزوها». چ ۲. ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۲.
- مرادویچ، صفر. سفرنامه صفر مرادویچ. ترجمه حمید حاجیان پور و منصور چهارزی. تهران: آژنگ، ۱۳۹۴.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالییم. بخش ۲. ترجمه علینقی منزوی. تهران: مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
- ناصرالدین شاه قاجار. سفرنامه عراق عجم، به‌ضمیمه تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. چ ۲. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۳.
- نوابی، عبدالحسین. روابط سیاسی ایران و اروپا در عصر صفویه. تهران: ویسمن، ۱۳۷۲.
- ورزی، منصور. هنر و صنعت قالی در ایران. تهران: رز، ۱۳۵۰.
- هاکس، مریت. ایران: افسانه و واقعیت. مترجمان: گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- یاوری، حسین؛ مهدیه اکبری و علی اصغر شیرازی. بررسی فرش‌های دوره صفویه و قاجاریه در موزه آستان قدس رضوی. تهران: سایه‌بان هنر، ۱۳۹۳.
- Gilbar, Gad.G. "The Persian Economy in the Mid-19Th Century." Die Welt des Islams. Vol. 19. Issue 4/1 (1979). PP. 177- 211.
- _____. "The Opening Up of Qajar Iran. Some Economic and Social Aspects." Bulletin of the School of Oriental and African Studies. Vol. 49 /1 (1986), PP. 76-89.
- Hambly, Gavin. "An Introduction to the Economic Organization of Early Qājār Iran." Iran. Vol. 2 (1964), PP. 69-81.
- Helfgott, Leonard M. "Carpet Collecting in Iran 1883-1873 Rebert Murdoch Smith and the Formation of the Modern Carpet Industry." Muqarnas. Vol. 7 (1990), PP. 181-171.
- _____. Ties that Bind: A Social History of the Iranian Carpet. Smithsonian Inst Pr. (2007).
- Rudner, Martin. "The Modernization of Iran and the Development of the Persian Carpet Industry: The Neo-Classical Era in the Persian Carpet Industry 1925 – 45." Iranian Studies. 44: (2011), P. 49-76.
- Seyf. A. "The Carpet Trade and the Economy of Iran 1870-1906". Iran. Vol. 30 (1992), P. 99-105.
- Seyf. A. "Foreign Trade and the Economy of Iran in the Nineteenth Century." Iran. Vol.

34 (1996), P. 117-128.

Seyf. A. "FreeTrade, Competition, and Industrial Decline: The Case of Iran in the Nineteenth Century." Middle Eastern Studies. 40:3 (2007), P. 55-74.

Shahnavaz, Shahbaz. Britain and the Opening Up of South-West Persia 1880-1914 (2005).

